

جغرافیا و توسعه شماره ۴۹ زمستان ۱۳۹۶

وصول مقاله: ۱۳۹۵/۰۷/۰۷

تأیید نهایی: ۱۳۹۶/۰۱/۱۹

صفحات: ۲۴۳-۲۷۲

مهاجرت جوانان، به راستی مشکل کجاست؟ جوامع محلی و آینده‌نگری برای شکل‌دهی به سکونتگاه‌های روستایی مطالعه موردی: روستاهای شهرستان خوی، آذربایجان غربی

دکتر رضا خسرویگی بزلجویی^۱، دکتر سیده‌ادی طیب‌نیا^۲

چکیده

چرا مهاجرت جوانان روستایی به شهرها - به رغم پیشرفت‌های قابل توجهی که در دو دهه اخیر در روستاهای کشور صورت گرفته است - همچنان ادامه دارد؟ در سوابق مطالعاتی به وجوه فراوانی از دلایل مهاجرت اشاره شده است که دو وجه آن تازگی داشته و در شرایط کنونی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد: پیش‌بینی و تجویز ملزومات خدماتی برای آینده روستا مبتنی بر الگوهای کلیشه‌ای ساده و پیشین توسعه و بی‌توجهی به نقش مشارکت شهروندان در فرایند توسعه روستایی. در مقاله حاضر به شناسایی خواسته‌های جوانان شهرستان خوی از آینده روستایی برحسب الگوهای نوین خدمات‌رسانی و توسعه‌ای و تجربیات چندگانه و محیط‌های متفاوت سکونتگاهی در سه فاز معیشت، محل اقامت و شیوه زندگی و نواحی طبقه‌بندی شده شهر، حومه، مراکز روستایی و روستاهای دوردست پرداخته شده است. هدف ارائه راه‌حلی روش‌شناسانه برای تشخیص ذهنیات و ترجیحات سکونت‌جویان روستایی و در نتیجه جلوگیری از روند روزافزون مهاجرت است. روش پژوهش حاضر، کیفی و هدف آن کاربردی است. ۸۷ مصاحبه از نوع ساخت یافته با جوانان روستایی در سنین ۱۸ تا ۳۹ سال و به صورت هدفمند به عمل آمد. نتایج نشان می‌دهد که آینده شخصی جوانان خوبی در پیوند با خواسته‌های چندبُعدی و متنوع است: گوناگونی اشتغال، محل اقامت و سبک زندگی که شامل کار در کارخانجات و ادارها با حقوق و مزایای ثابت، داشتن شغل دوم و بیشتر خدماتی، رفت و آمد پی‌درپی به مرکز شهر، مجاورت و همسایگی، خانه‌های بزرگ و حیاط دار، خود معیشتی و کارخانگی و درگیری اجتماعی و با جامعه و دوستان بودن می‌شود. در عین حال، خواسته‌های بی‌شمار و بسیار پیچیده‌تر جوانان در نواحی روستایی دوردست در مقایسه با سایر نقاط، نتیجه‌ای فراتر از انتظار بود. در واقع، تصور از آینده در سطح خرد با آنچه که در سطح عمومی از زندگی روستایی روایت می‌شود فرق دارد. بدون شک، اثربخشی سیاست‌های خدمات‌رسانی و توسعه در روستاها به‌طور قابل توجهی با لحاظ کردن خواسته‌های مورد انتظار جوانان از آینده روستایی می‌تواند بالا رود؛ بر اساس شاخصه‌های چندبُعدی و متنوع اشتغال، محل اقامت و سبک زندگی و در انواع مختلفی در سکونتگاه‌های روستایی.

کلیدواژه‌ها: جوانان، مهاجرت، آینده‌های مورد انتظار، الگوهای نوظهور، جوامع محلی، روستا، خوی.

مقدمه

ضرورت تحقیق و بررسی در خصوص مهاجرت جوانان روستایی برای شناخت مشکلات روستاهای کشور و پیدا کردن راه‌حلهایی برای برطرف کردن آن‌ها، در محافل علمی و دانشگاهی به خوبی مشخص شده است (پورطاهری، ۱۳۸۱: ۴۱؛ علی بیگی و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۹؛ غفاری و همکاران، ۱۳۸۹: ۹۱؛ قاسمی‌اردهایی و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۳). به هر حال، کاهش جمعیت جوان در روستاها تبدیل به یک مشکل بزرگ شده و تبعات آن دامن روستا، شهر و کل کشور را گرفته است. دولت‌مردان و مسئولان نگران مهاجرت گسترده جوانان به ویژه جوانان تحصیل کرده هستند و عقیده دارند این حرکت روستاها از نیروی خلاق و کارآمد تهی می‌سازد (رضوانی، ۱۳۸۳: ۲۸۵). همه این مشکلات در شرایطی رخ داده است که نواحی روستایی به ویژه در دو دهه اخیر تحولات عظیم و بی‌سابقه‌ای را در همه زمینه‌ها تجربه کرده‌اند. گسترش جریان‌های شهرگریزی^۱ و مرفه‌سازی^۲ و همچنین مهاجرت معکوس یکی از این روند دگرگونی‌های همه‌جانبه است (Cloke, 1985: 14). به‌طور کلی، بسیاری از نواحی روستایی به محل سکونت تعداد فزاینده‌ای از تازه‌واردان^۳ شهری تبدیل شده و این جابه‌جایی جمعیتی در پیوند با ایده خاصی از تصویر شاعرانه^۴ از جوامع محلی و به عبارتی بازدید^۵ از چشم‌اندازهای طبیعی و فرهنگی زندگی روستایی است (Roberts & Hall, 2001: 221). ضمن اینکه، با اجرای پروژه‌های مهمی همچون گسترش و نوسازی جاده‌ها و

تسهیل دسترسی، طرح‌های هادی و توسعه زیرساخت‌های رفاهی و بهداشتی، بسیاری از روستاییانی که به شهر مهاجرت کرده بودند و با زادگاه و خویشاوندان خود ارتباط داشتند، به ساخت خانه‌های جدید و اقامت در روستا ترغیب شده‌اند (رضوانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۹). با این همه پیشرفت، جوانان روستایی هنوز هم برای یافتن شرایط کاری بهتر و بهره‌گیری از امکانات و فرصت‌های آموزشی محل زندگی خود را ترک و به شهر مهاجرت می‌کنند. بر همین اساس و به موازات خط فکری نیلسون و لانگرن^۶ (۲۰۱۵) روستا در شرایط فعلی، ترکیبی^۷ از مشکل^۸، منبع^۹، منطقه‌ای برای رشد و قربانی^{۱۰} شده است.

مطابق با نقطه‌نظر مارسدن^{۱۱} (۱۹۹۹) نواحی روستایی به تدریج از اقتصاد درون‌گرا و خوداتکا خارج می‌شوند و به نیروهای وسیع‌تری از اقتصاد جهانی روی می‌آورند. این روند از بازترکیب اقتصادی و اجتماعی در دراز مدت به ضرر تولید و کشاورزی خواهد شد و زمینه برای نفوذ بازیگران جدید و افزایش اشتغال‌های خدماتی در روستا فراهم می‌شود؛ برای نمونه، گردشگری و فعالیت‌های تفریحی، حس طبیعت‌دوستی و حفظ محیط زیست، بهره‌گیری از آداب و رسوم و سنن محلی و خانه‌های ویلایی و دوم. به هر حال، تلاش‌هایی مبنی بر تحمیل عقاید و خواسته‌ها از سوی افراد تازه‌وارد به ساکنان محلی درباره آینده^{۱۲} و نحوه توسعه روستایی نیز صورت خواهد گرفت (López-i-Gelats et al, 2009: 603).

6-Nilsson and Lundgren

7-Mix

8-Problem

9-Resource

10-Victim

11-Marsden

12-Future

1-Counter Urbanization

2-Gentrification

3-New Comers

4-Idyll

5-Visit

(ریسک‌پذیر، خود تعریف، خود مراقبتی، سالم و سنتی) احتیاج دارند (Swinnen et al., 2012: 4). در واقع، مسأله معیشت روستایی و خدمات‌رسانی برای متولیان توسعه نسبت به گذشته پیچیده‌تر شده است (Angus et al., 2009: 230). از طرفی، آنچه که درباره روستا بیشتر رایج شده، بی‌توجهی به تجربیات چندگانه^۳ و محیط‌های محیط‌های متفاوت سکونتگاهی (Halfacree, 1995: 1) در امر خدمات‌رسانی و در نتیجه نگهداشت جمعیت است؛ بنابراین، بهبود وضعیت روستاها نیازمند بازبینی الگوها و سیاست‌های توسعه و توجه به خواسته‌های ساکنان محلی برای آینده روستا است (یعنی مشارکت واقعی افراد در فرایند برنامه‌ریزی).

در یک نتیجه‌گیری، اهمیت الگوهای جدید توسعه هر روزه آشکار و آشکارتر می‌شود؛ پیش‌بینی و تجویز ملزومات خدماتی برای آینده روستا مبتنی بر اصول الگوهای پیشین^۴ ممکن است از برخی الگوهای نوظهور در امر خدمات‌رسانی به ساکنان محلی غفلت شود (Hedstrom, 2009: 339). چیزی که دولت طی چند دهه اخیر به آن اصرار ورزیده است. در حالی که هیچ یک از اقدامات و برنامه‌ها از جمله بردن امکانات به مناطق روستایی، ایجاد مؤلفه‌های رفاه و... برای پیشگیری از پدیده مهاجرت اثرگذار نبوده است.

از طرفی، الگوی‌های کلان توسعه روستایی از درون رفتارهای خرد^۵ محلی است که رشد و فرصت ظهور می‌یابند (Murdoch & Pratt, 1993: 411). همین امر، اهمیت خصوصیات متفاوت سکونتگاهی و تنوع در وجه نظرهای اجتماعی را در محافل علمی و دانشگاهی

بنابراین، روستا دوران گذار را تجربه می‌کند و به سمت بی‌ثباتی در حال حرکت است و تعریف مشخصی را نمی‌توان برای آن در نظر گرفت (Gilbert, 1982: 609). این در حالی است که هنوز هم تعریف روستا در قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری به عنوان مکانی که از نظر وضعیت طبیعی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی همگون بوده، با قلمرو معین ثبتي یا عرفی مستقل شناخته شود و اکثر ساکنان دائمی آن به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم به فعالیت در زمینه کشاورزی، دامداری، باغداری، صنایع روستایی یا صید اشتغال دارند، عنوان می‌شود. در ذهنیت برنامه‌ریزان دولتی، سیاست‌گذاران و حتی برخی از پژوهشگران اجتماعی، هم قبل و هم بعد از انقلاب، روستا صرفاً به مثابه یک مکان تولیدی بررسی شده، حال آن که روستا در مملکتی مثل ایران جزء لاینفکی از مجموعه بسیار وسیع فرهنگی-سیاسی-اجتماعی و در حال حاضر جهانی به شمار می‌رود (احسانی، ۱۳۸۵: ۹۰).

بسیاری از محققان و دست‌اندرکاران امر مهم‌ترین دلایل مهاجرت روستاییان به ویژه جوانان را وجود نگاه خدمات‌رسانی به روستاها در جهت رفاه (مادی^۱)، کم توجهی به توان روستاییان در بحث‌های اقتصادی، کم توجهی به توان افزایی روستاییان برای کارهای زیربنایی با توجه به دگرگونی‌های جهانی صورت گرفته عنوان می‌کنند. در حال حاضر، نواحی روستایی علاوه بر رفاه مادی به نقش‌های مصرفی غیرمادی^۲ نظیر مسکن مناسب، کالاهای مصرفی و سرمایه‌ای (لوازم لوکس درون منزل)، محیط سکونتگاهی جذاب و از همه مهم‌تر اشکال مختلف تجربیات اقتصادی و به نوعی کارآفرینانه

کمی احتیاط و دقت می‌توان نتایج به‌دست آمده از این منطقه مطالعاتی را به سراسر کشور تعمیم داد و به عنوان یک چارچوب مفهومی برای مطالعه مهاجرت جوانان به کار گرفت. با این حال، شهرستان خوی با شاخصه‌های منحصر به فردی که دارد می‌تواند خواسته‌های ما را در این ارتباط برآورده سازد. این شهرستان در درجه اول از تنوع طبیعی، فرهنگی، اقتصادی و حتی سیاسی- نظامی خاص و پیچیده‌ای برخوردار است؛ به‌طوریکه در دشت نسبتاً وسیعی واقع شده که اطراف آن را کوه‌ها محصور کرده‌اند: این شامل ارتفاعات اورین با ۳۶۵۰ متر و جلگه خوی که با ۱۱۳۹ متر از تمامی جلگه‌های مجاور حتی از دریاچه ارومیه هم پست‌تر است. طیف مختلف و گسترده‌ای از سکونتگاه‌های روستایی با بیشترین جمعیت و رونق اقتصادی بالا و کمترین جمعیت و مرز نشین، دورافتاده و بسیار محروم در این منطقه استقرار یافته‌اند. به اقتضای جغرافیای شهرستان دو شکل متفاوت از فعالیت‌های اقتصادی رشد و گسترش پیدا کرده است به گونه‌ای که در نواحی دشتی و هموار کشاورزی آن هم از نوع پیشرفته و مکانیزه در سطح وسیعی وجود دارد، در واقع خوی یک منطقه ویژه کشاورزی است و از نظر تولید تخمه گل آفتابگردان و عسل، رتبه نخست را در کشور به خود اختصاص داده است (اگرچه در سال‌های اخیر اقتصاد باغداری بیشتر رواج پیدا کرده است). در نواحی مرتفع و عمدتاً مرزی دامداری و در برخی از نقاط گله‌داری و رمه‌گردانی (به سبک عشایری) به چشم می‌خورد. در این میان، فرش‌ها و قالیچه‌های ریزبافت خوی را که از بهترین نمونه‌های فرش‌های صادراتی کشور هستند، نمی‌توان نادیده گرفت. از یک طرف شهرستان خوی به

برجسته کرده است (Halfacree, 1993: 23). دولت طی چند دهه اخیر بر نقش محوری مکان و مشارکت مردمی در فرایند برنامه‌ریزی تأکید کرده است. با این همه، هنوز شکاف در حال گسترشی میان شعار و واقعیت وجود دارد.

هدف از تدوین مقاله حاضر کمک به پر کردن این شکاف‌ها و همچنین فقدان این دست از مطالعات در مجامع علمی و دانشگاهی کشور است. در این مقاله به بررسی شاخصه‌های مورد انتظار جوانان برای آینده زندگی روستایی^۱ پرداخته شده است، با این پیش فرض که مجموعه‌ای از فرصت‌های جدید در زمینه مسکن، کالاهای مصرفی و شیوه‌های زندگی در انواع مختلفی از روستاها در حال شکل‌گیری است و بدون شک ترجیحات سکونتی جوانان را تحت تأثیر قرار خواهد داد. از این رو، مهم است بدانیم خواسته‌های جوانان برای آینده روستا در چه چیزهایی، کجا و چگونه تعریف می‌شود.

شهرستان خوی در استان آذربایجان غربی به عنوان پایلوت کاری بررسی خواسته‌های جوانان برای آینده روستا معرفی می‌شود. همانطور که می‌دانیم مهاجرت جوانان دغدغه‌ای فراگیر و عمومی است و به دسته‌ای از روستاهای خاص در کشور اختصاص ندارد؛ بنابراین هدف از انتخاب این منطقه اتخاذ روش‌شناسی مطالعه موردی یعنی شناخت رویدادی جدید و پیگیری سر رشته و پیامد آن در یک مکان خاص نبوده؛ بلکه ارائه شیوه جدیدی از نحوه خدمات‌رسانی و طراحی سیاست‌های توسعه برای آینده سکونتگاه‌های روستایی بر اساس خواسته‌ها و انتظارات جوانان می‌باشد. حتی با

در سال ۱۳۹۰ شمار شاغلان شهرستان ۱۱۴۶۰۰ نفر از کل شاغلان ۸۵۶۷۰۰ نفری استان یعنی ۱۳/۴ درصد بوده است (سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۹۰) که چندان نشان از وفور شغل و رونق اقتصادی علی‌رغم ظرفیت‌های موجود شهرستان ندارد. باید گفت، علاوه بر کمبودهای اقتصادی و ویژگی‌های محیط سکونتگاهی، بهره‌گیری از فرصت‌های آموزشی و تحصیلی از دیگر انگیزه‌های مهاجرت جوانان به شهر است

(Rye & Blekesaune, 2007: 174).

جالب توجه است که شهرستان خوی بعد از ارومیه با ۳۲ درصد (۴۱۰۲۳ نفر) بیشترین سهم دانش آموز در مقطع متوسطه یعنی ۱۱ درصد (۱۴۴۲۶ نفر) را به خود اختصاص داده است (سازمان برنامه و بودجه آذربایجان غربی، ۱۳۹۳: ۹۱) که از این حیث روستاییان به دلیل نبود امکانات آموزشی مجبورند برای ادامه تحصیل به شهر نقل مکان کنند. از طرفی، بعد از شهرستان‌های ارومیه و مهاباد (۵۲/۷ و ۱۰/۲ درصد) بیشترین درصد دانشجویان (۹/۵ درصد) به شهرستان خوی مربوط می‌شود (سازمان برنامه و بودجه آذربایجان غربی، ۱۳۹۳: ۹۹). در واقع، گرایش روزافزون جوانان روستایی برای ورود به دانشگاه‌ها می‌تواند به نوعی زمینه‌ساز مهاجرت شود.

چارچوب نظری

مهاجرت جوانان روستایی: مروری بر ادبیات تحقیق

در سال‌های اخیر، مطالعات متعددی در کشور درباره عوامل مؤثر بر مهاجرت جوانان روستایی به شهرها صورت پذیرفته است. از آنجایی که بیشتر بر عوامل اقتصادی و سطح برخورداری مناطق روستایی تأکید شده، در نتایج به دست آمده متغیرهای نبود فرصت‌های شغلی و کمبود امکانات رفاهی و آموزشی برجسته است؛

عنوان منطقه ویژه اقتصادی با امکاناتی نظیر فرودگاه، جاده‌های ترانزیتی و گمرکات مرزی، شهرک‌های صنعتی در نظر گرفته شده؛ از طرف دیگر قاچاق، کوله بری و پیله وری به عنوان بخش سیاه اقتصاد در این منطقه رواج بسیار دارد. مردم شهرستان خوی به زبان ترکی آذربایجانی تکلم می‌کنند و مسلمان و شیعه مذهب هستند؛ در کنار این، کردزبانان و اهل تسنن تنوع قومیتی را در این منطقه رقم زده‌اند. دره‌های سرسبز، کوهسارهای پرگل و حیات وحش نادر در این شهرستان می‌تواند نویدبخش لحظاتی آرام و لذت‌بخش به مردمان گریخته از دام ماشین و دود و سر و صدا و به عبارتی گردشگران باشند. گذشته از این‌ها، شهرستان خوی بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ با ۳۵۴۳۰۹ نفر جمعیت، دومین شهر پرجمعیت آذربایجان غربی به شمار می‌رود؛ از این تعداد ۲۲۶۷۶۰ نفر آنان در نقاط شهری و ۱۲۷۵۴۹ نفر آنان در نقاط روستایی بوده‌اند. این درحالی است که اکثر روستاهای شهرستان خوی مهاجرت فرستی دارند و با کاهش جمعیت مواجه هستند؛ به‌طوریکه ۶۰ درصد از جمعیت در مناطق شهری خوی، فیرورق، دیزج دیز، ایواوغلی، زرآباد و قطور زندگی می‌کنند. نکته جالب اینکه، بنا بر ارتباطات خویشاوندی و فرهنگ مهاجرتی حاکم در آذربایجان غربی و شهرستان خوی هر ساله تعداد زیادی افراد به ویژه جوانان محل زندگی خود را به مقصد تهران و حومه آن ترک می‌کنند. در واقع بیشتر این روستاییان هستند که به جای اینکه به شهرهای اطراف خود مهاجرت کنند، به علل مختلف که بیشتر اقتصادی است، مقصد تهران و حومه آن را در پیش می‌گیرند. شهرستان خوی ۱۳ درصد از جمعیت استان را در خود جای داده است، اما

برای نمونه، علی‌بیگی و همکاران (۱۳۸۸) متغیرهای نگرش نسبت به شغل کشاورزی، سطح تحصیلات، میزان رفت و آمد به شهر برای بهره‌گیری از امکانات را با تمایل جوانان روستایی شهرستان کرمانشاه به مهاجرت سازگار می‌دانند. غفاری و همکاران (۱۳۸۹) نشان می‌دهند که رابطه معنی‌داری در روستاهای بخش سامان چهارمحال و بختیاری بین میزان مهاجرت و جستجوی کار (اشتغال)، دستیابی به امنیت شغلی، درآمد و کار بهتر، دستیابی به امکانات تفریحی- ورزشی، دستیابی به تسهیلات آموزشی و کثرت امکانات در شهرها وجود دارد.

قاسمی اردهایی و همکاران (۱۳۹۵) اظهار داشته‌اند: وضعیت اقتصادی خانواده، نگرش به دافعه مبداء، نگرش به جاذبه مقصد، جمعیت ساکن در روستا، بر میزان گرایش به مهاجرت به شهر جوانان روستایی شهرستان اهر تأثیرگذار هستند. البته، عوامل غیر اقتصادی دخیل بر مهاجرت جوانان روستایی نیز در موارد معدودی از تحقیقات صورت گرفته آمده است. پورطاهری (۱۳۸۱) عقیده دارد؛ گرچه انگیزه‌های اقتصادی در مهاجرت جوانان روستایی نقش مهمی دارند، عوامل غیر اقتصادی نیز اثرات مستقیم بر رفتار آنان می‌گذارند؛ برای مثال، رضایت از محل سکونت، نیاز به پیشرفت، زندگی بهتر و هدف‌های ارزشی به‌طور معناداری انگیزه مهاجرت جوانان روستایی استان قزوین را افزایش داده‌اند. پناهی و پیشرو (۱۳۹۰) نشان می‌دهند که متغیرهای نبود فرصت‌های شغلی در مناطق روستایی، نبود درآمد کافی، سختی کار کشاورزی، نرخ بالای رشد جمعیت روستا و تبلیغات نادرست در خصوص زندگی مرفه شهری، از نظر

روستاییان شهرستان مرودشت از اهمیت کمتری در تبیین مهاجرت جوانان روستایی برخوردار بوده‌اند. به‌طورکلی، مبحث مهاجرت جوانان روستایی از دو منظر ویژگی‌های منطقه^۱ و فردی^۲ قابل بررسی است (Thissen et al, 2010: 429). چشم‌انداز نخست به توسعه اقتصادی نواحی روستایی و روستا به عنوان مکانی اجتماعی متمرکز است (Stockdale, 2006: 354). در واقع، مواردی همچون نرخ و نوع اشتغال در منطقه، ویژگی‌های بازار و عرضه نیروی کار در منطقه و همبستگی اجتماعی در جوامع محلی، بر گرایش جوانان به شهرها تأثیر مستقیم دارد. در این ارتباط، ارزیابی فرایند توسعه به رغم پیشرفته‌های صورت گرفته در دهه‌های اخیر، نشان می‌دهد که توسعه مناطق روستایی فاقد برنامه درازمدت و استراتژیک بوده، به لحاظ ساختاری تحول درخوری نیافته و قادر به جذب نسل آینده نیروی کار یعنی جوانان نیست. به هر حال، رسم بر این شده است (از ۱۹۹۰ به بعد)، مشکلات نواحی روستایی و نگرانی درباره آینده آن، در درون عرصه گسترده‌تری از ارتباطات بین‌المللی و همسو با روندهای جهانی تغییرات روستایی به بحث گذاشته شود تا مبادا از برخی ضرورت‌های غیرقابل چشم‌پوشی غفلت شود (Hidle et al, 2006: 189). مطابق با نقطه‌نظر هالفاکری^۳ (۲۰۰۶) دو مکانیسم مرتبط به هم در متن جهانی تغییرات روستایی ایفای نقش می‌کنند. نخست، "سیستم جهانی اقتصاد"^۴ که با مشخصه‌های بازار آزاد و مهار دولت در عرصه‌های تولید قابل شناسایی است. دوم، افزایش ظرفیت‌های مصرفی مناطق روستایی، که در آن

1-Region

2-Individual

3-Halfacree

4-Globalized Economic System

برخوردار شوند. به همین منظور، منطبق متفاوتی از مفهوم روستا و روستایی در محافل علمی و برنامه‌ریزی کشور وجود دارد که مانع از ادغام فضای روستایی در فرایندهای بازار آزاد و کارکردهای مصرفی و حرکت به سمت الزامات توسعه و در نتیجه نگهداشت جمعیت جوان می‌شود. از طرفی، تحولات به وجود آمده الگوی جدیدی از توسعه روستایی را پیش روی دولت‌مردان و متولیان برنامه‌ریزی می‌گذارد. رویکردهای پایین به بالا جایگزین استراتژی متمرکز خواهد شد، در بخش بعدی تحقیق بیشتر به مباحث مطرح شده پرداخته می‌شود.

از منظر فردی مهاجرت و نقل مکان جوانان به شهر در ارتباط با مقوله تحرکات اجتماعی^۳ قابل بحث و بررسی است (Bjarnason & Thorlindsson, 2006: 290). در واقع، مهاجرت می‌تواند پروژه‌ای برای توسعه فردی و گذار از جوانی و به نوعی انتقال به دوره بزرگسالی^۴ به حساب آید (Smith et al. 2002: 177)؛ از مدرسه و دانشگاه به کار و از کار به دوره بازنشستگی. با این حال، این تحرکات دوره زمانی دارد و با چرخه زندگی^۵ گره خورده است. مهاجرت در این مفهوم به عنوان فرایندی است که نمی‌توان پایانی را برای آن متصور شد و مرحله‌ای از زندگی است که به راحتی قابل برگشت است (Nugin, 2014: 53) (یعنی فرد با گذراندن مراحل مختلف زندگی دوباره به روستا باز می‌گردد). براساس چشم‌انداز فردی مهاجرت، توسعه موفق یک منطقه و جامعه به توانایی جذب جوانان مهاجرت کرده در دوره بزرگسالی و یا تازه‌واردانی بستگی دارد که دارای سرمایه اجتماعی و نفوذ در مکان دیگر هستند و مقدمات ارتباط

روستا به روش‌های مختلف محلی برای ارائه خدمات تبدیل می‌شود. به عبارتی، همزمان با روند مقررات‌زدایی^۱ از برنامه‌های توسعه روستایی، بازارهای جدیدی برای حومه ایجاد شده و فرصت‌های جدید اقتصادی را با خود به همراه آورده است. اگر بپذیریم که روستا در شرایط کنونی ترکیبی از خصوصیات محلی با ارتباطات اقتصادی و اجتماعی گسترده‌تر بیرونی بوده و با فرایندهای کالایی شدن^۲، یکپارچگی شهر و روستا و شهرگرایی همراه شده است (Elbersen, 2002: 24). چاره‌ای نخواهیم داشت که قانونمندی‌های اقتصادی و اجتماعی مربوط به زندگی روستایی از جمله بازار منطقه‌ای و جهانی مبادله کالا و تولیدات، تنوع‌سازی و گرایش به فعالیت‌های غیرکشاورزی و خدمات مورد تقاضای افراد شهرنشین، گردشگری و گذران اوقات فراغت و حفظ محیط زیست و چشم‌انداز طبیعی (Smith & Phillips, 2001: 458) را همواره مدنظر داشته و به این منظور در فکر ساختار مناسب با چنین منظروفی باشیم. با این همه، برنامه‌های توسعه روستایی در کشور، متأسفانه با پدیدارشدن تفکرات سطحی در عرصه علم و فناوری که نیازمند تثبیت مدیریت و ساختار و رویکردهای توسعه‌ای به موازات پیشرفت علوم در جهان است، به مسیری انفعال‌گرایانه و خلاقیت‌زدا حرکت کرده است. دولت همواره نگرانی‌های خود را از وضعیت معیشت و استانداردهای زندگی روستایی ابراز داشته است؛ دغدغه‌ای فراتر از توسعه اقتصادی. این باور وجود دارد که نواحی در طول تاریخ به دلایل مختلف از منافع حاصل از توسعه کشور سهم‌ناچیزی داشته و محروم مانده‌اند؛ بنابراین، باید متناسب با جامعه شهری از فرصت‌های عادلانه و برابر

نسخهٔ تصویر شاعرانه‌ای از روستابودگی^۶ در اذهان عمومی، ساکنان محلی اغلب شروطی را بر بافت طبیعی و اجتماعی روستا ضمیمه می‌کنند. به‌طور خاص، تحقیق دربارهٔ ادراک جوانان از روستابودگی، جنبه تیره و تاریکی از روستا را انعکاس می‌دهد (Rye, 2006: 415)؛ سنتی، توسعه‌نیافته، عقب‌مانده، قدیمی و از مد افتاده (Waara, 1998: 138).

مطابق با نقطه نظر رأی^۷ (۲۰۰۶) "روستای خسته کننده"^۸ بهترین توصیف برای آنچه که جوانان به زندگی زندگی روستایی معنی می‌دهند تا تصویر شاعرانه‌ای از روستا. با اینکه طیف گسترده‌ای از جوانان همزیستی خود را با تصویر غالب "خسته‌کننده"^۹ از روستا ابزار کرده‌اند؛ اما اقلیت قابل توجهی از جوانان نیز هستند که هیچ اشتراکی با این نداشته و عقاید متنوعی از روستا را به نمایش می‌گذارند (Woodward, 1996: 60). گذشته از الگوهای شناخته شده، در برخی از نواحی و زمینه‌های گفتمانی ممکن است آنچه که از آن به عنوان "فرهنگ مهاجرتی"^{۱۰} یاد می‌شود وجود داشته باشد؛ با این مضمون که ایده و معنای مهاجرت به عنوان فرایندی مثبت و مورد انتظار تلقی می‌شود (Rye, 2011: 172)؛ برای نمونه، فرهنگ مهاجرتی جوانان برای زندگی در تهران که در سراسر کشور عمومیت دارد.

آینده سکونتگاه‌های روستایی

تا قبل از اصلاحات ارضی به دلیل حاکمیت مالکان، زمینه چندانی برای حضور دولت در امور روستاها فراهم نبود (رضوانی، ۱۳۸۳: ۲۱۸). به تدریج از دههٔ ۱۳۴۰ و

نواحی روستایی را با سایر نقاط فراهم خواهند کرد (Thissen et al, 2010: 429). ذکر این نکته لازم است که خصوصیات فردی در مهاجرت می‌تواند چهره و اشکال گوناگونی به خود بگیرد؛ آنچه ممکن است برای یکی تکامل و فرصت به نظر آید برای دیگری این گونه نباشد (Schucksmith, 2012: 11)؛ بنابراین، عواملی نظیر طبقه، نژاد و جغرافیای محل زندگی هنوز هم در نحوهٔ تحرک اجتماعی جوانان نقش اساسی دارد (Thomson & Taylor, 2005: 327).

مهاجرت جوانان - علاوه بر چشم‌اندازهای منطقه‌ای و فردی - به نحوهٔ گفتمان^۱ سازی مفهوم روستا و روستایی در اذهان عمومی مردم نیز ربط دارد (Rye, 2011: 177). با ارائهٔ تصویری راکد و دست نخورده از سکونتگاه‌های روستایی و البته سازگار با تقاضا و ذائقهٔ افراد شهرنشین در رسانه‌های عمومی و آثار مکتوب، دفع جوانان امری محتمل و اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد (Alasuutari, 2011: 17)؛ زیرا افراد شهرنشین از چیزهایی در محیط سکونتگاهی روستایی لذت می‌برند که برای جوانان تازگی ندارد و به نوعی عادت و یکنواختی تبدیل شده است. همواره سعی شده تصویری اخلاقی^۲ و زیباشناسانه^۳ از روستا در برابر شهر ارائه شود (Mitchell, 1987: 101). سالم و طبیعی، امن و آرام، سادگی و صمیمیت، اصالت و قدمت (Bjaarstad, 2003: 48). بدیهی است این جنبه از زندگی روستایی ریشه در ایدهٔ "تصویر شاعرانه‌ای از روستا"^۴ دارد؛ توصیفی از حومه به عنوان مکانی برای زندگی ایده‌آل^۵ (Halfacree, 1993: 3). به رغم پذیرش

6-Rurality
7-Rye
8-Rural Dull
9-Dull
10-Culture of Migration

1-Discourse
2-Morally
3-Aesthetically
4-Rural Idyll
5-Good Life

مهاجرت می‌کردند (بیشتر مهاجرین جذب تهران و شهرهای حومه آن شده‌اند) (تجدد، ۱۳۸۷: ۵۴). این در حالی است که پس از وقوع انقلاب اسلامی همچنان مهاجرت به شهرها ادامه یافت. علی‌رغم تحولات ساختاری و اصلاحات صورت گرفته در این مقطع، پیوند با جهت‌گیری‌های گذشته و تداوم سیاست تمرکزگرایی (رضوانی، ۱۳۸۳: ۸۸) به رشد بی‌رویه شهرنشینی و مهاجرت انجامید. برآوردهای وزارت مسکن و شهرسازی نشان می‌دهد که در حال حاضر درصد جمعیت شهرنشینی ایران به بیش از ۷۳ درصد رسیده که تقریباً دو برابر میانگین جهانی است. با روند پرشتاب تجاری سازی بی‌پایه و اساس شهرها در یک دهه اخیر و ساخت مراکز خرید و در نتیجه گسترش مشاغل خدماتی و جدید، انتظار می‌رود روند شهرنشینی در کشور همچنان به سیر صعودی خود ادامه و در سال ۱۴۳۰ به حدود ۸۵ درصد برسد (فتحی، ۱۳۹۴: ۳).

اکنون ۵۳ سال از اجرای اصلاحات ارضی و حضور جدی دولت در روستاها می‌گذرد و در طول این مدت تلاش‌های بسیار و برنامه‌های عمرانی زیادی برای توسعه این مناطق صورت گرفته است؛ نتیجه این مدیریت، تصاویر متفاوت شده‌ای از مناطق روستایی و ساختار اجتماعی و اقتصادی مربوط به آن‌ها است. در این میان، روستاها را می‌توان متناسب با تأثیرپذیری آن‌ها از تغییر و تحولات - آنچه که توسط خسروبیگی و جوان (۱۳۹۵) با اقتباس از کاظمی‌بیدهندی (۱۳۸۵) آمده - در سطحی بسیار کلی به سه گروه عمده تقسیم کرد: روستاهایی که در شرایط جدید - بنا بر بهره‌مندی از مزیت‌های طبیعی و یا عرصه‌های فضایی (نزدیکی به مراکز جمعیتی) و تخصص گرفتن در محصولاتی به خصوص - به تدریج به

همزمان با اجرای اصلاحات ارضی، نواحی روستایی به جولانگاه آزمون‌های متوالی در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی به وسیله تکنوکرات‌های دولتی و نخبگان سیاسی تبدیل شد. در این میان، برنامه‌های پر آب و تاب به منظور عمران و آبادی و ارائه امکانات و خدمات مدرن به روستاها طراحی شد. به نظر نمی‌رسید علایق محلی و منطقه‌ای در طبقه نوظهور و حکومتی نفوذ قابل توجهی داشته باشد (احسانی، ۱۳۸۵: ۸۴). در واقع، هدف دولت کانالیزه کردن منابع محدود به مناطق محدود و دست‌چین شده جغرافیایی بود که از مساعدترین منابع بهره‌مند بودند. در طول این مدت، طیفی از روستاهای توسعه یافته و توسعه نیافته پدید آمد و به نوعی انواع مختلفی از نواحی روستایی نمود پیدا کرد (خسروبیگی و جوان، ۱۳۹۵: ۲). با انجام قانون اصلاحات ارضی بخش عظیمی از نیروی کار به دلیل خرد شدن زمین‌های زراعی یا به دلیل کارگر فصلی بودن و تعلق نگرفتن زمین به آن‌ها، روستاها را رها کردند و راهی شهرها شدند. از سوی دیگر در اثر درآمد‌های فراوان نفت، زمامداران وقت درصدد بودند برای صنعتی کردن کشور به ایجاد صنایع و کارخانه‌ها دست بزنند؛ در نتیجه در اطراف شهرهای بزرگ مانند تهران، اصفهان و دیگر نقاط کارخانه‌ها و مراکز صنعتی بزرگی تأسیس شد و به این ترتیب زمینه‌های لازم برای نابرابری‌های منطقه‌ای و مهاجرت روستاییان به شهرها فراهم شد. این روستاییان به شهرها بسیار دورتری از روستاهای محل زندگی‌شان مهاجرت کردند تا بتوانند شرایط بهتری برای زندگی به دست آورند. به گونه‌ای که نرخ مهاجرت در دوره ۱۳۴۲-۱۳۵۴ خورشیدی حدود ۱/۶ درصد بوده است؛ یعنی سالیانه حدود ۲۷۰۰۰۰ نفر از روستاها به شهرها

مهاجرت روستاییان به شهرها عنوان کرده است. در حالی که، به زعم ون مایر و موهایم^۴ (۱۹۹۶) نگاه خدمات‌رسانی به روستاها در راستای رفاه و بهتر بگوییم کمک به یک نیازمند منسوخ شده است؛ زیرا شهری شدن و بهبود سطح برخورداری، توسعه و ماندگاری جمعیت را تضمین نمی‌کند. به عبارتی، سیاست‌های روستایی نباید صرفاً به محرومیت‌زدایی از اجتماعات انسانی و توزیع برابر و عادلانه امکانات و خدمات معطوف شود؛ بلکه بهره‌وری اقتصادی و نوآوری را نیز در دستور کار قرار دهد.

این را نیز باید اضافه کرد که شرایط لازم برای درگیر ساختن جوامع محلی در فرایند برنامه‌ریزی توسعه در بسیاری از کشورهای در حال توسعه فراهم شده است. در واقع، حرکت در جهت نهادینه‌سازی آموزه‌های "پارادایم جامعه محلی"^۵ (Sonvisen, 2013: 26) دل‌مشغولی بسیاری از سیاست‌گذاران و متخصصان توسعه به شمار می‌رود؛ یعنی عدم دستکاری و ابزار کردن زندگی روستایی توسط نیروهای بیرونی و تمرکززدایی از سیاست‌گذاری‌ها. طی سال‌های اخیر با رواج بحث‌های مرتبط با مشارکت، در کشور ما نیز بر توان‌های محلی و محل‌گرایی و نبود تمرکز در فرایند برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری تأکید می‌شود. با این حال، منطقی روشن و یا شواهدی از ارتباط جامعه با طرح و پروژه‌ها و نتایج آن وجود ندارد (Nimegeer & Farmer, 2016: 95). محتوای سیاست‌گذاری‌ها، چگونگی دخالت و فرایند تصمیم‌گیری ساکنان محلی را مشخص ساخته است، اما استانداردهای مشارکتی و خروجی‌ها ابهام داشته و وضعیت متفاوتی را عرضه می‌دارد.

نوعی یگانگی نسبی با بازار داخلی و جهانی نائل آمده‌اند؛ با توسعه بخش کشاورزی و رونق تولید مواجه هستند. روستاهایی که از لحاظ امکانات طبیعی و عرصه‌های زراعی آنچنان پتانسیلی ندارد که بتوانند در مقیاس وسیع‌تری تولید کنند؛ ولی به دلیل همجواری با مراکز جمعیتی، در حال حاضر با رشد فعالیت‌های غیرکشاورزی نظیر گردشگری مواجه و بیشتر متکی به منفعت‌های سرزمینی یکپارچگی شهری- روستایی هستند و به تفرجگاه و مکانی برای گذران اوقات فراغت تبدیل شده‌اند: روستاهای گردشگری اطراف کلان شهرهای تهران، مشهد، شیراز، تبریز. روستاهایی که نه دارای امکانات طبیعی کافی بوده که بتوانند تولید رونق بخشند و نه در نزدیکی مراکز جمعیتی قرار دارند که پذیرای گردشگران باشند؛ تعداد این نوع از سکونتگاه‌های روستایی کم نیست و فعلاً دچار رکود هستند. آنچه که مشخص است، بهره‌گیری از مدل‌های ساده و کلیشه‌ای فون‌تونن^۱، کریستالر^۲ و راندینلی^۳ در امر توزیع امکانات و امکانات و خدمات‌رسانی به روستاها دیگر راه به جایی نمی‌برد و هر چه زمان می‌گذرد فضای روستایی ناهمگن و پیچیده‌تر می‌شود (Kuhmonen et al, 2016: 90). در عین حال، برنامه‌ریزان و سیاستگذاران دولتی هنوز هم به دنبال ساده‌سازی الگوهای توزیع فضایی امکانات و خدمات روستایی هستند. طرح ارتقاء روستاهای بالای ۳۵۰۰ نفر جمعیت به شهر یکی از این موارد است.

رئیس سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور ارتقاء روستاها به شهر را از برنامه‌های دولت برای توسعه زیرساخت‌ها و امور زیربنایی و در نتیجه جلوگیری از

مصرف^۴ در پیوند با الگوی جدید تحرکات ساکنان شهری و فرصت‌های کارآفرینانه و بازتعریف نحوه بهره‌برداری از منابع محلی (غذاهای محلی، مناظر و چشم‌اندازهای طبیعی و میراث فرهنگی) داده است (Cloke, 2007: 39-40). به زعم هولمز^۵ (۲۰۰۸) فضای روستایی مهیای پذیرش امکانات^۶ و زیرساخت‌های مصرفی شده و حرکت حرکت به سمت کارآفرینی و ابتکارات جدید و پیوند با نیروهای بیرونی را در پیش گرفته است. افزایش تحرکات و گسترش فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی نه تنها رشد تقاضاهای گردشگری و خانه‌های دوم، بلکه سکونت تازه‌واردان شهری در روستاها را نیز به همراه داشته است (Woods, 2005: 13)؛ برخی به دلیل بیماری و خستگی از هیاهوی زندگی شهری، برخی دیگر به دلیل پایین بودن هزینه مسکن و یا ظهور فرصت‌های شغلی جدید با رونق فعالیت‌های گردشگری. همان‌طور که گفته شد، ادغام در روندهای جهانی بازار و ترویج کارکردهای مصرفی، زمینه‌ساز تمرکززدایی و نهادینه شدن رویکردهای پایین به بالا در نواحی روستایی است. توسعه درون‌زا^۷ یک فرایند خودمحور^۸ است و از توان‌ها و تجربیات محلی در جهت رشد کمک می‌گیرد و منابع طبیعی، انسانی و فرهنگی هر منطقه را کلیدی برای دستیابی به توسعه می‌داند (Van der Ploeg, 2005: 2). توسعه درون‌زا به عنوان یک فرصت برای درگیری جوامع محلی در تصمیم‌گیری و آزاد کردن نیروهای بالقوه تلقی می‌شود (Shortall & Shucksmith, 1998: 73). در اینجا، روستا و روستایی منبع و ظرفیتی برای توسعه هستند و نه مکانی برای تولید و تولیدکننده. توجه به سرمایه‌های طبیعی، فرهنگی و انسانی راهی

کرویکشانک^۱ (۲۰۰۹) اظهار می‌دارد، راهبردهای توسعه (در اینجا پارادایم جامعه محلی و تمرکززدایی) ممکن است با گفتمان‌هایی همراه شوند که به موجب آن محدودیت‌هایی برای اجرای گزینه‌های سیاستی به وجود آید. اگرچه دکتین راهبردهای توسعه، امری ثابت و از هنجارهای یکنواختی تبعیت می‌کند؛ اما در تداخل با سلیقه‌ها و انگیزه‌های سیاسی از محتوای اصلی خود منحرف و در عمل چیز دیگری به اجرا گذاشته می‌شود؛ برای نمونه، سامان دهی وضعیت روستاها و تهیه و اجرای طرح‌های هادی یکی از موارد نقض مشارکت مردمی در فرایند توسعه روستایی است. اعتقاد بر این است که تاکنون تمامی پروژه‌های اجرا شده با مشارکت مستقیم مردم به سرانجام رسیده است. در حالی که، طرح‌های هادی روستایی به مانند سایر الگوها و پروژه‌های توسعه روستایی در ایران بیان‌کننده یک فراروایت جهان‌شمول و عام‌گرا بوده و به مثابه ایدئولوژی پنهان عمل کرده است (سقایی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳).

با ایجاد مراکز شهری و تراکم جمعیت و افول اقتصاد روستایی، بحث حومه و به عبارتی حومه‌های مصرف به میان می‌آید. بدین شرح که مردم برای فرار از شلوغی شهرهای بزرگ به بیلاق‌های خوش آب و هوای پیرامون پناه می‌برند و به نوعی خانه‌های ویلایی و دومی برای گذران اوقات فراغت اختیار می‌کنند (Potter & Tilzey, 2005: 595). در جایی که روستا دیگر معادل کشاورزی و یا فعالیت‌های تولیدی در نظر گرفته نمی‌شود و به نوعی وارد مرحله بعدی اقتصاد یعنی ساختار پساتولیدگرایی^۲ شده است (Woods, 2011: 79)؛ کشاورزی به‌طور گسترده جای خود را به فرایندهای کالایی‌شدن^۳ و

4-Consumption

5-Holmes

6-Amenity

7-Endogenous development

8-Self-Centred

1-Cruickshank

2-Post- Productivist

3-Commodification

سیاسی مخصوص به خود تحلیل کنیم و در نتیجه به ارزش‌های مشترک، ساختارهای نهادی، سیاست‌های محل و خصوصیات زیست‌محیطی دست یابیم (Lawrence & Turnhout, 2010: 354).

تحلیل‌های ارائه شده در اینجا بر پایه تبادل اطلاعات با ساکنان محلی از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساخت یافته^۵ و تا حدودی کنترل شده است.

به زعم کیوی و ون کامپنهود^۶ (۱۹۹۸)، هرگز نمی‌توان نمی‌توان گفت که مصاحبه‌های اکتشافی در تحقیق اجتماعی کاملاً بی‌رهنمود هستند. در واقع، مصاحبه همیشه از سوی مصاحبه‌کننده تقاضا می‌شود نه مصاحبه شونده. مصاحبه کم و بیش در محور مضمونی که مصاحبه‌کننده تحلیل کرده است، جریان می‌یابد و نه درباره آنچه که مخاطب میل دارد حرف بزند. بالاخره این که هدف مصاحبه‌کننده در تحقیق اجتماعی به هدف‌های تحقیق بستگی دارد، نه به رشد شخصی فرد مصاحبه‌شونده؛ به همین دلیل برخی از محققان به‌جای مصاحبه بی‌رهنمود، از مصاحبه آزاد حرف می‌زنند؛ از این رو، تصورات آینده جوانان روستایی به سه مضمون پیش‌بینی شده که در تحلیل‌های هسیه و شانون^۷ (۲۰۰۵) و کومون^۸ و همکاران (۲۰۱۶) آمده است تقسیم شد: ۱- امرار معاش، ۲- محل اقامت، ۳- سبک زندگی، با پرسش‌هایی به تبادل اطلاعات گذاشته شد: ۱- چگونه امرار معاش می‌کنید؟ ۲- کجا زندگی می‌کنید؟ ۳- چگونه زندگی می‌کنید؟ در مقوله امرار معاش به سه حوزه پرداخته شده است: وضعیت بازار کار، صنعت و مضامین ویژه‌ای از اشتغال. در مقوله محل

برای رسیدن به نوآوری و ابتکارات جدید است (Aghion et al, 1998: 354). حال، بهره‌گیری از توان‌های محلی و مشارکت مردم به منزله جدایی مطلق جامعه و خودکفایی کامل نیست؛ بلکه به افزایش توانمندی و قدرت تصمیم‌گیری برای برقراری ارتباط و تعامل با بازارهای اقتصادی اشاره دارد (Kay, 2008: 930). به‌طوری که، کافی و پولز^۱ (۱۹۸۴) مدل چهار مرحله‌ای رشد درون‌زا را از ترکیب کسب و کار و کارآفرینی‌های محلی، گسترش شرکت‌های محلی فراتر از سطح منطقه، کنترل منابع محلی و در نهایت ایجاد بخش اقتصادی قوی با ارتباطات گسترده، مطرح کرده است.

در مجموع، فرصت‌های جدیدی از نحوه سازماندهی ویژگی‌های محیط سکونتگاهی^۲، محل اقامت^۳ و سبک زندگی^۴ مطرح شده است که تأثیرگذاری اجتناب‌ناپذیری اجتناب‌ناپذیری بر آینده نواحی روستایی دارد. حال، مقبولیت و تحقق فرصت‌های جدید با توجه به تقاضا و خواسته‌های جوانان در انواع مختلفی از نواحی روستایی نیز متفاوت است: یعنی چه چیزی، در کجا و چگونه می‌تواند به کار گرفته شود.

روش تحقیق

تحقیق حاضر روش کیفی و به‌طور خاص رویکرد مطالعه موردی را مبنای تجزیه و تحلیل قرار داده است (Yin, 2003: 5). این رویکرد برای تحقق هدف ما - یعنی کشف و توصیف شاخصه‌های مورد انتظار جوانان برای آینده روستای محل زندگی خود- مفید واقع می‌شود؛ زیرا اجازه می‌دهد تا پدیده‌های تجربی را در زمینه اجتماعی، فرهنگی، طبیعی، موقعیتی و حتی

5-Semi structured
6-Quivyand and Van Campenhoudt
7-Hsieh and Shannon
8-Kuhmonen

1-Coffey and Pole'se
2-Livelihood recipe
3-Accommodation recipe
4-Lifestyle recipe

اقامت، دو حوزه مورد بررسی قرار گرفت: محل زندگی، نوع مسکن و خصوصیات مسکن. در مقوله سبک زندگی تنها ویژگی‌های خاص هر یک از معیشت‌ها تحلیل شد. با این‌همه، سعی شد تا ایستارهای حتی‌الامکان بی‌رهنمود درپیش گرفته شود و جوّ راحتی برای حرف زدن مخاطب فراهم شود و به عبارتی دخالت کمتری در اظهار نظرهای مشارکت‌کنندگان صورت گیرد. از آنجایی که هدف از ثبت تصوّرات آینده جوانان روستایی در این تحقیق، رسیدن به وجه نظرهایی در سطح خرد بود؛ لذا باید به انواع مختلفی از نواحی روستایی اشاره می‌شد. تاکنون طبقه‌بندی‌های مختلفی از سکونتگاه‌های روستایی در مطالعات محلی و منطقه‌ای به ثبت رسیده است که در این میان گزارش‌های سازمان همکاری‌های اقتصادی اتحادیه اروپا (OECD) پیشگام بوده و استناد زیادی به آن می‌شود.^۱

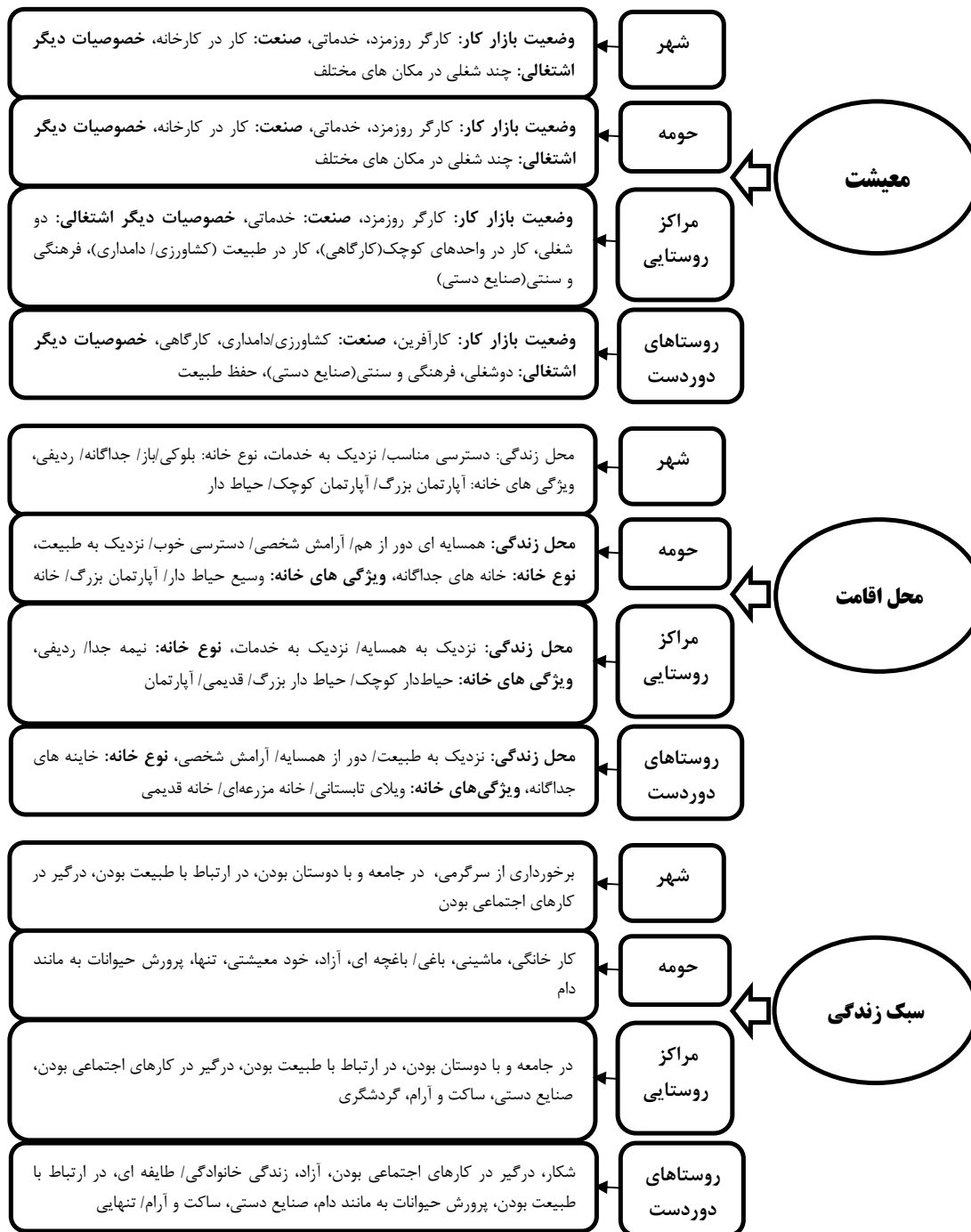
طبقه‌بندی نواحی روستایی بدین طریق انجام گرفت: شهر^۲، حومه^۳، مراکز روستایی^۴ و روستاهای دوردست^۵ دوردست^۵ (OECD, 2008: 39). در مجموع، ۸۷ مصاحبه با ساکنان محلی به عمل آمد که تقریباً به‌طور مساوی بین سایت‌های مورد مطالعه تقسیم شد. نظر به خصوصیات تحقیق کیفی، شرکت‌کنندگان با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند: جوانان روستایی در سنین ۱۸ تا ۳۹ سال.

منطقه مورد مطالعه

پژوهش حاضر در شهرستان خوی انجام گرفته است. این شهرستان در شمال استان آذربایجان غربی، شهرستان ارومیه و سلماس و شرق شهرستان مرند واقع شده و از طرف غرب با کشور ترکیه هم‌جوار و دارای ۵ شهر، ۴ بخش (به نام‌های، ایواوغلی، صفائییه، قطور و مرکزی) و ۱۴ دهستان و ۲۲۲ روستاست. در سال ۱۳۹۰ جمعیتی برابر با ۳۵۴۳۰۹ نفر در شهرستان خوی سرشماری شده‌اند که از این تعداد ۲۲۶۷۶۰ نفر در نقاط شهری و ۱۲۷۵۴۹ نفر در نقاط روستایی سکونت دارند.

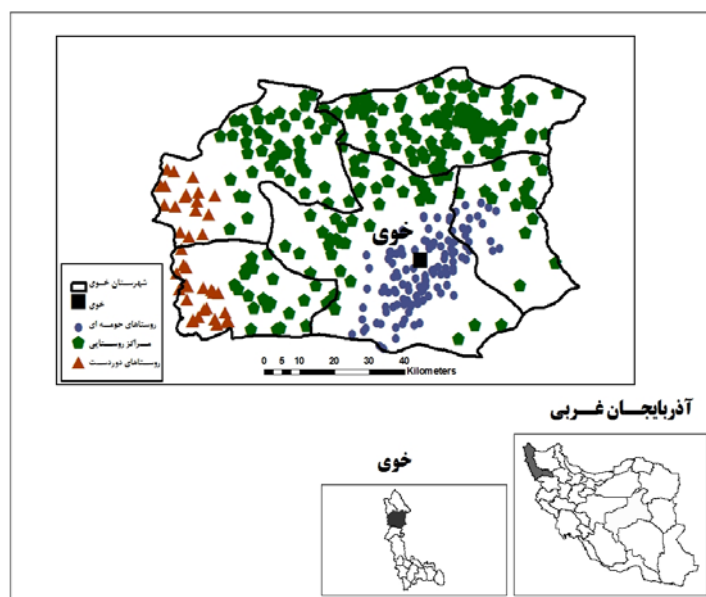
۱- گونه‌شناسی روستا در این سازمان حاوی چهار طبقه بوده نه تنها با یک آستانه تراکم جمعیت (۱۵۰ سکنه/در کیلومتر مربع) و یا ترکیب دو ویژگی (تراکم جمعیت با دوربودگی/ دسترسی و یا تراکم جمعیت با پوشش اراضی)؛ بلکه با همبستگی بین برخی از مقولات سه ویژگی (تراکم جمعیت، کاربری اراضی و دوربودگی/دسترسی): عمدتاً شهری (PU)، میانی (IN)، عمدتاً روستایی نزدیک به شهر یا روستا شهری (PRC) و عمدتاً روستایی دوردست (PRR).

2-City
3-Urban-adjacent rural
4-Rural centre
5-Remote rural area



شکل ۱: ابعاد سه گانه آینده های زندگی روستایی

تهیه و ترسیم: Hsieh and Shannon, 2005; Kuhmonen et al., 2016



شکل ۲: منطقه مورد مطالعه
تهیه و ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۵

یافته‌های تحقیق

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که جوانان خوبی در درجه اول به دنبال امنیت و ثبات در زندگی روستایی هستند. همان‌طور که مطرح شد، طی دهه‌های اخیر نواحی روستایی به جولانگاهی برای آزمون‌های متوالی توسط نخبگان سیاسی و تکنوکرات‌های دولتی درآمده است. گرچه تلاش‌های بسیاری صورت گرفته و طرح‌های زیرساختی و عمرانی متعددی اجرایی شده، اما جمعیت روستایی در این فرایند همواره کمترین مشارکت را داشته است؛ از این‌رو، ساکنان محلی به دنبال آن هستند تا با تغییر محدودیت‌های موجود ایده‌های خاص خودشان را از شرایط واقعی هستی‌شان گسترش دهند. بر همین اساس، در دو دهه گذشته شناخت فعالیت‌های انسانی و از همه مهم‌تر نقش سیاست و قدرت در ساخت مکان و تعارضات محلی، در جغرافیای روستایی افزایش و به رسمیت شناخته شده است (Massey, 2004: 11).

۱- معیشت: جوانان خوبی به اشتغال‌هایی در آینده رأی داده‌اند که دارای حقوق و مزایای ثابت و همواره کمترین نوسان را داشته باشد (چنانچه کار روزمزد (حقوق ثابت) با ۷۳/۲ درصد بیشترین سهم را در وضعیت بازار کار به خود اختصاص داده است). تجربه نشان داده است، فعالیت‌های کشاورزی و دامداری به دلیل اینکه در تیررس مستقیم سیاست‌های کلان اقتصادی کشوری بوده و با اعمال نظرهای سیاستی گاه و بی‌گاه مواجه است، غیرقابل پیش‌بینی و کنترل‌ناپذیر می‌باشد؛ بنابراین نمی‌شود بدان اعتماد کرد و نقطه قابل اتکایی برای اقتصاد خانوار به حساب آورد (به‌طوری‌که اشتغال‌های کشاورزی و دامداری با ۱۸/۶ درصد کمترین سهم را در میان سایر عناصر دارد). از آنجایی که فرهنگ مشاغل غیرکشاورزی و به‌نوعی خدماتی در روستاهای کشور و از جمله خوی نهادینه نشده و ساز و کار غیر رسمی دارد، جوانان خوبی کار در کارخانه (۵۴/۷ درصد) را به استقرار فعالیت‌های خدماتی (۲۶/۷ درصد) و البته بی‌برنامه ترجیح داده‌اند. اگر گسترش مشاغل خدماتی در

تغییرات ساختاری اقتصاد روستایی در عرصه جهانی. جوانان خوبی سعی دارند به داشته‌های سنت‌های معیشتی و فرهنگی خود در عرصه اقتصاد متکی باشند و به همین خاطر خواستار اهمیت مسئولان به فعالیت‌های کارگاهی و کوچک و در اینجا قالی‌بافی هستند (کار در واحدهای کوچک کارگاهی با ۲۹/۲ درصد بیشترین سهم را نسبت به سایر خصوصیات اشتغالی دارد).

نواحی روستایی محصول رقابت‌های نئولیبرالیستی و کارکردهای مصرفی بدانییم، نمی‌توان فعالیت‌های خارج از مزرعه همچون رانندگی، حمل و نقل، اجاره دادن زمین و تأسیس فروشگاه و مغازه را که در شرایط کنونی در روستاهای ما رایج شده است، در این راستا قرار داد. این جهت‌گیری به چند گانه کردن منابع درآمدی برای مقابله با نوسانات غیرقابل پیش‌بینی و کنترل‌ناپذیر مربوط می‌شود تا همراهی با

جدول ۱: سهم عناصر مختلف (به درصد) از آینده‌های مورد انتظار جوانان روستایی شهرستان خوی در سه بُعد

معیشت (۸۷ مشارکت کننده)	محل اقامت (۸۷ مشارکت کننده)	سبک زندگی (۸۷ مشارکت کننده)
وضعیت بازار کار:	نوع مکان:	محتوای خاص:
کارگر روزمزد (حقوق ثابت)	شهر	برخورداری از سرگرمی
خدماتی	حومه	در جامعه و با دوستان بودن
کل	۱۰۰	در ارتباط با طبیعت بودن
صنعت:	روستاهای دوردست	درگیر در کارهای اجتماعی بودن
اقتصاد اولیه (کشاورزی و دامداری)	کل	کار خانگی
کار در کارخانه	محل زندگی:	ماشینی
کار خدماتی	دسترسی مناسب	باغی/ باغچه‌ای
کل	۱۰۰	آزاد
خصوصیات دیگر اشتغالی:	نزدیک به خدمات	خود معیشتی
چندمکانی	نزدیک به همسایه	گردشگری
چند شغلی	همسایه‌ای دور از هم	پرورش حیوانات به مانند دام
کار در واحدهای کوچک (کارگاهی)	آرامش شخصی	زندگی خانوادگی/ طایفه‌ای
کار در طبیعت	کل	صنایع دستی
حفظ طبیعت	نوع خانه:	ساکت و آرام
فرهنگی و سنتی (صنایع دستی)	بلوکی	تنها
کل	۱۰۰	کل
	باز	
	نیمه جدا	
	ردیفی	
	کل	
	ویژگی‌های خانه:	
	آپارتمان بزرگ	
	آپارتمان کوچک	
	حیاط دار بزرگ	
	حیاط دار کوچک	
	خانه قدیمی	
	ویلاي تابستانی	
	خانه مزرعه‌ای	
	کل	

مأخذ: نگارندگان بر اساس یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵

شاعرانه از روستاهاست که در اذهان عمومی باقی مانده و کمتر روستایی وجود دارد که تحت تأثیر تفکرات بیرونی ابزاری نشده باشد. با سیاست‌های افزایش روستاهای هدف گردشگری توسط دولت و تمایل به تفریح و گذران اوقات فراغت در بین افراد شهرنشین، روستاهای مجاور شهر (۱۱ درصد) می‌بایست در آینده بیشتر با خواسته‌های افراد تازه وارد هماهنگ شود تا مردم محلی. روستاهای دوردست (۸/۲ درصد) هم که عمدتاً در نواحی مرزی مستقر شده‌اند،

به دلیل دید امنیتی از فرایند توسعه عقب افتاده‌اند، چرا که شرایط جهانی به گونه‌ای است که وجود مرز می‌تواند برای ساکنانش مفید واقع باشد: توجه به جنبه‌های اقتصادی و فرهنگی، سطح برخورداری این مناطق را ارتقا می‌دهد. در مجموع، روستاییان توسعه و دگرگونی را برای بهبود کیفیت محیط سکونتگاهی خود امری ضروری می‌دانند، اما به شرطی که به ارکان اصلی ساختار اقتصادی و اجتماعی زندگی‌شان آسیبی وارد نسازد. جوانان خویی زندگی در مراکز روستایی را به نوعی با تصویری از روستاهای گذشته بدون هر دخالتی همسان می‌دانند. از طرفی، افزایش تعداد اتومبیل و سرمایه‌گذاری‌های عمومی در زیرساخت‌های جاده‌ای، شرایط را برای زندگی همزمان در شهر و روستا فراهم کرده است؛ بنابراین؛ بنابراین هم زندگی شهری (امکانات و فرصت‌ها) را تجربه می‌کنند و هم در روستا حضور دارند (چنانکه زندگی در شهر با ۳۱/۳ درصد بعد مراکز شهری بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است). جوانان خویی به دنبال یک زندگی آرام و بدون دغدغه (۲۳/۷ درصد) هستند که تحقق این مهم را در گرو بهبود شرایط اقتصادی و بالا رفتن سطح درآمد می‌دانند. این در حالی است که حتی با داشتن تحصیلات عالی و مهارت‌های علمی و فنی، زمینه برای اشتغال جوانان وجود ندارد؛ ساختار

همان‌طور که گفته شد، فرش ریزباف خوی شهرت جهانی دارد و متأسفانه درحال حاضر رکود بی‌سابقه‌ای بر این بخش مستولی شده است؛ به گونه‌ای که بسیاری از فعالان مجبور به ترک این شغل هستند. از طرفی، جوانان خویی به دنبال این هستند تا در کنار مشاغل اصلی خود، از موقعیت‌ها و امکانات متفاوت حد ممکن بهره را به سود خانوار برده باشند؛ به همین دلیل چندشغلی (۲۵/۷ درصد) را ترجیح می‌دهند. جهت‌گیری حاضر گویای این مطلب است که ساختار اقتصادی و اجتماعی روستا در آینده می‌بایست آماده پذیرش ظرفیت‌های متنوع شغلی شود. گذشته از چند شغلی بودن، جوانان خویی به معیشت چندمکانی (۱۹/۱ درصد) برای تنوع‌سازی منابع درآمدی رأی مثبت داده‌اند. در شرایط فعلی کمتر پیش می‌آید که به یک تکه زمین کشاورزی و یا منابع محلی برای تأمین درآمد خانوار اکتفا کرد. درواقع، فرصت‌های اقتصادی متفاوتی خارج از محل زندگی و مکان‌های دیگر وجود دارد که می‌توان از آن بهره‌ای لازم را برد و سطح درآمد را افزایش داد (Biddulph, 2015: 100). جوانان روستایی این واقعیت را بازگو می‌کنند که فضای روستایی دیگر با منابع و جمعیت درون خود تعریف نمی‌شود و به نوعی می‌بایست مرزهای اقتصادی آن گسترش یابد و با سایر نقاط ارتباطات اقتصادی و اجتماعی داشته باشد.

۲- محل اقامت: جالب توجه است که جوانان خویی مراکز روستایی را به عنوان بهترین مکان برای زندگی در نظر گرفته‌اند (به‌طوریکه مراکز روستایی با ۴۹/۵ درصد بیشترین سهم در بین سکونتگاه‌های مورد مطالعه به خود اختصاص داده است). این گونه می‌توان تفسیر کرد: هر جامعه‌ای شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خاص خود را دارد و برنامه‌های توسعه آن جامعه می‌بایست بر پایه معیارهای ذکرشده طراحی شود. این روزها، به مدد توسعه و تحول، فقط تصویری

اقتصادی روستاها نیز در حال توانایی جذب نیروی کار اضافی را ندارد. روابط صمیمانه و نزدیک در اجتماع کوچک روستا نیز برای جوانان خوبی اهمیت زیادی دارد؛ از این رو به گزینه نزدیک به همسایه (۲۱/۸ درصد) رأی مثبت داده‌اند. به واقع، حفظ سرزندگی و جنب و جوش در روستا ایده‌آلی از زندگی در آینده است. ضمن اینکه، جوانان روستایی برخورداری از خدمات و امکانات را حق مسلم خود می‌دانند؛ زیرا در کنار نبود زمینه‌های اشتغال و شرایط بد اقتصادی، دسترسی نامناسب به خدمات نیز مزید بر علت شده و رضایت از محیط سکونتگاهی را تحت تأثیر قرار داده است (اهمیت نزدیکی به خدمات و دسترسی بهتر به امکانات به ترتیب ۲۱/۲ و ۱۹/۴ درصد است). شاخص نزدیکی به طبیعت با ۵ درصد از کل نشان می‌دهد که چشم‌انداز طبیعی روستا برای جوانان تازگی ندارد و در اولویت‌های آینده زندگی روستایی قرار ندارد. از آنجایی که روستای متمرکز تیپ غالب روستا در ایران و به ویژه مناطق غربی است، جوانان خوبی به زندگی در خانه‌های ردیفی (۶۴/۶ درصد) و به یکدیگر چسبیده که عموماً بدون فضای خالی است، علاقه بیشتری نشان داده‌اند. به هر حال، طایفه‌گرایی و شرایط اجتماعی همگرایی مربوط به آن در منطقه نقش مؤثری در پیدایش این تمایلات دارد. این در حالی است که در روستاهای دوردست و با تراکم پایین جمعیتی خانه‌های نیمه‌جدا (۲۸/۲ درصد) استقرار و مورد پذیرش مردم است. ساخت خانه‌های بلوکی و باز به سبک کشورهای غربی به علت عدم رعایت شئون اخلاقی و حریم خصوصی در منطقه مرسوم نیست (به‌طوری که کمترین مقبولیت را با درصدهای ۱/۸ و ۵/۴ به خود اختصاص داده‌اند). جوانان خوبی خانه‌های حیاط‌دار با اندازه‌های بزرگ (۴۲/۷ درصد) را بیشتر از گونه‌های دیگر قبول دارند، از آنجایی که مردم منطقه صله ارحام و ارتباطات

خویشاوندی را همواره به جا می‌آورند، نیاز به خانه‌های بزرگ مقیاس و حیاط‌دار دارند، از طرفی، با این ویژگی قادر خواهند بود به روال گذشته به فعالیت‌های تولیدی در خانه یعنی قالی بافی بپردازند. خانه‌های قدیمی (۱۲/۱ درصد) هم در شهرستان خوی و بین جوانان خواهان زیادی نسبت به سایر گونه‌های سکونتی دارد؛ زیرا سازگار با خصوصیات اقتصادی و خواسته‌های فرهنگی مردم است. درحالی‌که خانه‌های آپارتمانی با هر مقیاسی (برای نمونه مسکن مهر) با استقبال مردم مواجه نشده و اگر تمایلی هم برای زندگی در این دست از خانه‌ها باشد، به اجبار از روی ناچاری است (چنانکه آپارتمان‌های بزرگ و کوچک به ترتیب ۵/۵ و ۱/۷ درصد از ویژگی‌های خانه را به خود اختصاص داده‌اند). باید گفت، مزرعه که عموماً محل کار روستاییان محسوب می‌شود از خانه‌ها جدا بوده و گاهی در فاصله نسبتاً دوری قرار دارد؛ بنابراین، استقرار خانه‌های مزرعه‌ای (۲/۳ درصد) در شهرستان خوی بسیار ناچیز است. خانه‌های ویلایی و دوم (۴/۵ درصد) نیز تنها در نواحی پیرامون شهر خوی گسترش پیدا کرده‌اند و آن‌طور که باید فراگیر نشده‌اند.

۳- سبک زندگی: جوانان خوبی بیشتر سبک زندگی‌ای را می‌پسندند که در ارتباط با کارهای خانگی (۲۱/۳ درصد) و قالی‌بافی باشد، در این باره در بالا توضیح کافی داده شد. از طرفی، جوانان خوبی برای زندگی اجتماعی، بودن در جامعه و با دوستان بودن اهمیت زیادی قائل هستند. اعتقاد بر این است، سر و کار داشتن با جامعه و روابط عمومی بالا باعث ترقی و رشد فکری و آگاهی می‌شود و مهارت‌های گفتاری، تجربیات زندگی و خودباوری را در فرد می‌پروراند. ضمن اینکه، با دوستان و خویشاوندان علاوه بر برخورداری از سرگرمی و گذران اوقات فراغت، فرصت صحبت کردن و همفکری مهیاست و از این طریق بسیاری از مشکلات مطرح و قابل حل است (درگیری

- مراکز شهری

آینده زندگی در مراکز شهری معمولاً به واسطه شاخصه‌های اشتغال در خدمات عمومی و بیشتر با میزان دسترسی به امکانات زیرساختی و مسکن مناسب نمایه می‌شود (شکل ۱). معیشت در این طیف از طبقه‌بندی سکونتگاهی شهرستان خوی با اشتغال روزمزد (حقوق ثابت) و دیگر ترجیحات فعالیتی با محتوایی خاص و به‌عنوان شغل دوم (همانند خلاقیتی، معنادار و پسندیده و مورد قبول جامعه) مشخص شده است. یکی از جوانان معتقد بود که:

"تمایل دارم در یک محیط صنعتی و یا اداری مرتبط با مدرک تحصیلی‌ام مشغول به کار شوم، چون دارای حقوق و مزایای ثابت و بیمه است. با توجه به شرایط سخت زندگی و درآمد ناکافی باید به کارهای دیگر به عنوان شغل دوم (مانند تدریس در یک مؤسسه آموزشی و یا دانشگاه) هم بپردازم".

جوان دیگری هم این گونه اظهار کرده است:

"به عنوان یک دانشجو در دانشگاه فرهنگیان مشغول به تحصیل هستم. در کنار تحصیل بیشتر مواقع در مغازه فروش پوشاک کار کرده و از این طریق هزینه تحصیلم را تأمین می‌کنم. بعد از اتمام تحصیلات و استخدام در آموزش و پرورش در نظر دارم به صورت مستقل مغازه‌ای برای خود باز کرده و شغل دومی برای کسب درآمد بیشتر داشته باشم".

جوانان در این طبقه‌بندی سکونتگاهی مصراانه خواهان دسترسی و نزدیکی به مراکز فروش، امکانات رفاهی و خدمات تفریحی هستند (اگرچه رضایت خود را از این جنبه از محل زندگی ابراز داشته‌اند). در ارتباط با نوع مسکن به سبک زندگی در خانه‌های ردیفی و حیاطدار علاقه نشان داده شده است (برخلاف روند عمومی زندگی در مراکز شهری، از سبک زندگی آپارتمانی استقبالی به عمل نیامده است). یکی از جوانان معتقد بود که:

در کارهای اجتماعی و با دوستان و در جامعه بودن به ترتیب درصدهای ۱۲/۲ و ۱۱/۴ را از سبک زندگی به خود اختصاص داده‌اند). همانطور که گفته شد، جوانان خوبی به فعالیت‌هایی که در معرض قید و بندهای سیاسی و توصیه‌های دولت باشد، علاقه‌ای نشان نداده‌اند. هدف تحقق سبک زندگی آزاد (۸/۲ درصد) و خودمعیشتی (۷/۲ درصد) است که در آینده بتوانند دانش علمی و بومی خود را به کار و کسب درآمد تبدیل کنند، چیزی که از جانب خودشان باشد و کمتر با تلاطم‌های گاه بی‌گاه سیاسی و عوامل غیرقابل پیش‌بینی همراه شود؛ بنابراین، اگر اقتصاد بومی‌سازی و نیازهای جوانان براساس آن تعریف شود، بسیاری از مشکلات مربوط به اشتغال رفع خواهد شد. نیاز است که جوانان را برای شکوفا کردن نوآوری و خلاقیت از جمله صنایع دستی محلی (۷/۶ درصد) حمایت و تشویق کنیم. آنچه که جالب توجه است، روحیه طایفه‌گرایی و زندگی جمعی هنوز هم مورد پذیرش جوانان به ویژه در روستاهای مرزی است؛ به همین خاطر سبک زندگی فردی در منطقه مورد مطالعه آن طور که باید رایج نشده است، به نوعی جوانان به همراه خانواده‌هایشان و بستگان و به صورت مشترک در یک محل و حتی خانه زندگی می‌کنند (سبک زندگی ساکت و آرام و فردی و تنها با درصدهای ۲/۱ و ۱/۷ جایگاهی در بین جوانان ندارد).

آینده‌های مورد انتظار زندگی روستایی به تفکیک

سکونتگاه‌ها

در مصاحبه‌های صورت گرفته، جوانان خوبی ما را از چستی و چگونگی شاخصه‌های مورد انتظار برای آینده زندگی روستایی در انواع مختلفی از سکونتگاه‌های این منطقه به شرح زیر مطلع ساختند.

آینده‌ای را ترجیح می‌دهند که با تنوع شغلی، زندگی خصوصی و ویژگی‌های سکونتی راحت همراه باشد.

- روستاهای حومه‌ای

آینده زندگی در روستاهای مجاور شهر معمولاً با چند مکانی بودن اشتغال، مسکن بزرگ و جادار و شیوه معیشت مربوط به حریم خصوصی مشخص می‌شود (شکل ۱). جوانان خوبی در این طیف از سکونتگاه‌های حومه‌ای اشتغال روزمزد (حقوق ثابت) و چندمکانی بودن خصوصیات کاری (رفت و آمد به شهر و یا سفر شغلی) را برای آینده ترجیح داده‌اند (در حال حاضر بیشتر جوانان در روستاهای مجاور شهر در بخش کشاورزی اشتغال دارند و از این طریق امرار معاش می‌کنند؛ ضمن اینکه، کار در بخش‌های سنتی (یعنی قالی‌بافی) در حومه رواج داشته و افرادی که از روستاهای دوردست به این مکان مهاجرت کرده‌اند بدان مشغولند). یکی از جوانان معتقد بود که:

"من هم در بخش کشاورزی مشغول به کار هستم و هم کارگر روزمزد. بخشی از سال را در کارخانه (قند) سپری و در فصل کاشت به کشاورزی و آن هم به صورت اشتراکی برمی‌گردم. اگر کار در کارخانه و یا اداره‌ها و شرکت‌ها به‌طور دائمی در تمام فصول باشد، خیلی مشتاقم تا در آن استخدام شوم. روستا هم صرفاً محل زندگی و گذران اوقات فراغت باشد".

جوان دیگری هم این‌گونه اظهار کرده است:

"کار فعلی من قالی بافی یا همان کار خانگی است. بنگاه معاملات ملکی هم دارم. درآمد آن قدر نیست که کفاف مخارج زندگی و تأمین سرمایه را بدهد. از روستاهای مرزی به این روستا مهاجرت کرده‌ام. اگر شغلی در شهر برایم فراهم شود و حقوق و مزایای ثابت داشته باشد، با کمال میل می‌پذیرم؛ منظورم کار در کارخانه است".

"محیط زندگی ما به امکانات و خدمات عمومی نزدیک است. خانه‌ای که در آن هستم حیاطدار و به صورت ردیفی در کنار سایر خانه‌های محله است: به صورت مشترک همراه با پدر و مادرم در یک خانه زندگی می‌کنم (اکثر خانوارها در این شهر بدین گونه زندگی می‌کنند). در آینده این فکر را دارم که از این زندگی جمعی (چند خانوار در یک خانه) جدا شوم و برای خود خانه‌ای مستقل (حیاط دار) فراهم کنم".

از لحاظ سبک زندگی به بهره‌گیری از تنوع فرصت‌های شهری رأی داده شده است (اداره‌ها و مؤسسه‌ها، مراکز خرید و بازار، بازدید مکان‌های تفریحی و سرگرمی و حضور در تعاملات اجتماعی). این در حالی است که نزدیکی به طبیعت و چشم‌اندازهای زیبا برای رسیدن به آرامش و تمدد اعصاب، از گزینه‌های آینده زندگی شهری به حساب آمده است. یکی از جوانان معتقد بود که:

"سبک زندگی‌ام در ارتباط با مردم و جامعه تعریف می‌شود. از این وضعیت راضی‌ام؛ چون به سطح آگاهی و اطلاعات من می‌افزاید و از لحاظ اجتماعی عقب نمی‌مانم. من با همه نوع از افراد سروکار دارم (اداره‌ها، بانک، خرید و فروش، روستاییان). شغلم آزاد است و به مکان‌های مختلفی می‌روم. در کل از تفریحات و سرگرمی غافل نیستم".

جوان دیگری هم این‌گونه اظهار کرده است:

"با توجه به شلوغی و صنعتی شدن شهرها و آلودگی‌های ناشی از آن، ترجیح می‌دهم در ساعات فراغت و غیر کاری در مکانی دیگر حضور داشته باشم؛ جایی که در آن به آرامش روحی و روانی دست یابم، خانه‌ای در خارج از شهر".

از روایت‌های به دست آمده متوجه می‌شویم که آینده شهری دقیقاً در سازش با محیط زندگی نبوده و جایگزین‌هایی از سوی افراد برای آن در نظر گرفته شده است. بطورکلی، جوانان ساکن در شهر خوی

این درحالی است فعال بودن کارهای خانگی، نگهداری دام و... به خودکفایی و کسب درآمد اضافی کمک می‌کند. یکی از جوانان معتقد بود که:

"کار آزاد دارم، یعنی کارگر روزمزد هستیم. بنا به اقتضای کاری در مکان‌های مختلف هستیم. بیشتر به شهر رفت و آمد می‌کنم. در کنار این، کار کارگاهی یعنی قالی‌بافی می‌کنم. مختصر کشاورزی و دامداری هم دارم."

جوان دیگری هم این‌گونه اظهار کرده است:

"سبک زندگی آزاد و خود تعریف را می‌پسندم؛ چون اختیار کاری‌ام دست خودم است. اگر شود شغل پدری‌ام را ادامه می‌دهم. از درگیری‌های اجتماعی گریزانم. آرامش و سکوت از مهمترین ارکان زندگی هر فرد است."

ماهیت محلی حومه در ادبیات رایج روستایی بیشتر با مکانی برای گردشگری، تفریح و گذران اوقات فراغت شناخته می‌شود و بهره‌گیری از طبیعت و چشم‌اندازهای زیبا از شاخصه‌های اصلی آن است. درحالی‌که، حفظ حریم خصوصی و دستیابی به آرامش از نزدیکی به طبیعت برای جوانان مهم‌تر می‌باشد.

به‌طور کلی، پیکره بندی خاص روستاهای مجاور شهر برای آینده در شهرستان خوی شامل تحرک و بهره‌گیری از فرصت‌های شغلی در شهر، مسکن جادار و بزرگ و ارائه فعالیت‌هایی از جانب خود و رسیدن به تنوع شغلی می‌باشد. زندگی و کار در مکان‌های متعدد (یعنی هم‌زمان در روستا و شهر بودن) از پیش فرض‌های قوی برای آینده حومه به حساب می‌آید.

- مراکز روستایی

آینده زندگی در مراکز روستایی با کار در واحدهای کوچک، گستردگی فعالیت‌ها، اجتماعی و درگیر بودن، ایمن و سالم، در ارتباط با طبیعت نشان داده می‌شود (شکل ۱).

در ارتباط با محل اقامت باید گفت، واحدهای همسایگی و نزدیک به هم با رعایت حریم خصوصی و حفظ آرامش مورد پذیرش بوده و بر سهولت دسترسی به شهر تأکید می‌شود (ذکر این نکته مهم است که معماری مسکن در ایران و خاصه در روستاهای خوی به گونه‌ای است که حریم خصوصی بنابر مسائل مذهبی و اعتقادی و به اجبار رعایت می‌شود و لزومی بر جدایی‌گزینی و فاصله مسکن از یکدیگر به سبک زندگی روستایی در کشورهای اروپایی و آمریکا و یا اقدام به احداث خانه‌های ویلایی و دوم نیست؛ به همین دلیل است که بیشتر جوانان از خصوصیات محل اقامت خود ابراز رضایت کرده‌اند). جادار و بزرگ مقیاس بودن خانه یکی از مؤلفه‌های مهم محل اقامت می‌باشد؛ یعنی خانه حیاطدار. یکی از جوانان معتقد بود که:

"خانه من در روستا به صورت حیاطدار و با دیگر همسایه‌ها دیوار به دیوار است. با آرامش کامل در آن زندگی می‌کنم. اگر در شهر خانه‌ای را رایگان در اختیارم بگذارند باز هم ترجیح می‌دهم در اینجا باشم. آرامش و سکوت روستا با هیچ چیز عوض نمی‌کنم؛ چون زندگی در شهر با فرهنگ و عقاید (مذهبی) من سازگار نیست."

جوان دیگری هم این‌گونه اظهار کرده است:

"خانه‌های ما در این روستا نزدیک به هم و اغلب حیاط دار و بزرگ است. خانه‌ای که من در آن ساکن هستم قدیمی است. دوست دارم خانه‌ای تازه ساخت و جدید به همان سبک داشته باشم. دلیل استفاده از خانه‌هایی با این خصوصیات، به دلیل نوع کارمان (قالی‌بافی) و رسوم سنتی اقوام این منطقه یعنی رفت و آمد و مهمان زیاد است."

مشخص است دستورالعمل‌های سکونتی (چه برای افراد بومی و چه برای مهاجران) حساسیت بیشتری را نسبت به سایر شاخصه‌ها در حومه بر انگیزته است.

و سنتی را برای آینده ترجیح داده‌اند. یکی از جوانان معتقد بود که:

"خانه‌های روستایی به شکل حیاطدار و نزدیک به هم است. دسترسی به خدمات نیز مناسب است. محیط زندگی ما در شرایط خوبی قرار دارد. در آرامش و سکوت زندگی می‌کنیم، اما متأسفانه برای گذراندن زندگی به خاطر کمبود درآمد خیلی اذیت می‌شویم". در دستورالعمل شیوه زندگی، روابط انسانی بسیار مهم تلقی شده است. برقراری ارتباط با جامعه، دوستان، بستگان و همسایگان و همکاری با ساکنان محلی از خواسته‌های جوانان برای زندگی در مراکز روستایی است. ضمن اینکه، پیوند با طبیعت برای دستیابی به آرامش و سکوت مورد تأکید است. از طرفی، اشتغال به کارهای خانگی و تولید صنایع دستی، جزئی از سبک زندگی در این طیف از طبقه‌بندی سکونتگاهی است. یکی از جوانان معتقد بود که:

"یکی از مزایای مراکز روستایی ارتباط هر چه بیشتر اقوام، دوستان و آشنایان با یکدیگر است، اما این با درگیر شدن با کارهای اجتماعی و جامعه فرق می‌کند. در محیط آرام و ساکتی بزرگ شده‌ایم. کار با طبیعت و دام را به کارهای اجتماعی ترجیح می‌دهم؛ اما با این وضعیت بازار و نوسان قیمت و کمبود درآمد، مجبور هستیم به کارهایی که با روحیه‌ام سازگار نیست بپردازم (مسافركشی و سر و کله زدن با مردم)".

جوان دیگری هم این‌گونه اظهار کرده است:

"سبک زندگی ما ارتباط تنگاتنگی با زمین و دام و طبیعت دارد. تمایل داریم در یک محیط آرام و خانگی به تولید صنایع دستی که در این منطقه بیشتر گلیم و قالی‌بافی است، بپردازیم. زندگی همراه با آرامش و سکوت مورد نظر من است؛ اما گوشه‌گیری و تنهایی را نمی‌پسندم. دوست داریم با اقوام و آشنایان در ارتباط باشیم".

جوانان خوبی حاضر در مراکز روستایی، توقع دارند که در مشاغلی با حقوق و مزایای ثابت و مشخص استخدام شوند؛ در عین حال، چند فعالیتی بودن - را در کنار اشتغال در بخش خدماتی - ملاکی برای بهبود هر چه بیشتر کیفیت زندگی در نظر گرفته‌اند. کار در واحدهای کوچک دستور العمل امرار معاش برای آینده از سوی جوانان است؛ از جمله اداره‌ها، شرکت‌ها و کارگاه‌ها و کارخانجات. همچنین، کار در فعالیت‌هایی که در پیوند با طبیعت است (کشاورزی/ دامداری) نیز در ترجیحات شغلی آینده جوانان جای دارد. یکی از جوانان معتقد بود که:

"مدرک تحصیلی‌ام کارشناسی ارشد است، البته بیکارم. با خانواده‌ام زندگی می‌کنم. به صورت خانوادگی و جمعی هم کشاورزی و دامداری داریم. تقریباً درآمد خوبی دارد. در آینده دوست داشتم کاری در ارتباط با تحصیلاتم پیدا کنم (ادارات و شرکت‌ها). چه کنیم که کاری وجود ندارد. بهتر است که همین کشاورزی و دامداری را ادامه و ارتقا دهیم".

جوان دیگری هم این‌گونه اظهار کرده است:

"کشاورزی و دامداری داریم، به شکل سنتی است. مهارت کارهای ساختمانی (تأسیساتی) را هم داریم که در فصول غیر زراعی به آن می‌پردازیم. اگر شرایطش پیش آید، در یک کار خدماتی مانند کارخانه یا هر کار دیگری که حقوق و مزایای ثابتی داشته باشد، مشغول به کار شوم بهتر است. با این حال تمایل داریم کار کشاورزی و دامداری را پیگیری و ارتقا دهیم؛ دامداری صنعتی و باغداری".

به مانند نواحی حومه‌ای، وجود واحدهای همسایگی و نزدیکی روابط به عنوان جنبه مثبتی از خصوصیات محل اقامت در نظر گرفته شده است. بسیاری از پاسخ‌دهندگان به چینش ردیفی خانه‌ها با مقیاس بزرگ و جادار بودن تمایل نشان داده‌اند. برخی از جوانان نیز زندگی به سبک گذشته در خانه‌های قدیمی

بیکاری بهتر است. در آینده اگر کار کارگاهی (قالی‌بافی) رونق پیدا کند، به آن خواهیم پرداخت." در دستورالعمل‌های محل اقامت بر زندگی در مکانی با چشم‌انداز کوهستانی و خانه‌هایی با ویژگی‌های قدیمی و سنتی برای آینده تأکید شده است. پیوند با طبیعت و حفظ حریم خصوصی از دیگر خواسته‌های زندگی برای آینده است. یکی از جوانان معتقد بود که: "خانه‌های روستایی ما حیاطدار و بصورت نیمه‌جداست. به شکلی جمعی و خانوادگی در یک خانه زندگی می‌کنیم. در آینده قصد این را ندارم از این خانه جدا شوم. فرهنگ منطقه ما بدین صورت است که اکثر خانوارها به‌صورت جمعی زندگی می‌کنند."

جوان دیگری هم این‌گونه اظهار کرده است: "فضای زندگی در این جا آرامش بخش است. طبیعت زیباست. صمیمت و دوستی وجود دارد. از زمان حاکم شدن انتظامات در این منطقه آرامش بیشتری هم احساس می‌شود. مشکل اساسی دوری و کمبود امکانات است."

شیوه زندگی متنوع در نواحی روستایی دورافتاده و پرت بیشتر مدنظر بوده است. فعالیت‌های مرتبط با طبیعت و فضای زندگی (کشاورزی، دامداری، پیله‌وری، آرامش و سکوت و...) و ارتباط با جامعه (مشارکت اجتماعی، زندگی با خانواده و...) از انتظارات جوانان برای آینده است. از طرفی، زنده نگه داشتن صنایع دستی (قالی‌بافی) از دیگر خواسته‌های مرتبط با نواحی روستایی دورافتاده و پرت است. یکی از جوانان معتقد بود که:

"شیوه زندگی درگیری در کارهای اجتماعی و با جامعه بودن را دوست دارم. به آگاهی و اطلاعاتم می‌افزاید. از زندگی هم عقب نمی‌مانیم؛ ولی اگر در آینده حق انتخابی داشته باشم، به همان کار دامداری می‌پردازم. شاید از این حیث دچار کاستی و عقب‌ماندگی آگاهی و اطلاعاتی شوم. بهتر از این است که

به‌طور کلی، آینده مراکز روستایی شامل زندگی جمعی، در پیوند با طبیعت و همراه با سکوت و آرامش است. جوانان روستایی بر تمرکز فعالیت‌ها در محل زندگی و بی‌تحرک به سایر نقاط برای گذران امور زندگی پافشاری می‌کنند.

روستاهای دور دست

آینده زندگی در روستاهای دورافتاده و کم جمعیت با امرار معاش به واسطه کارآفرینی، مسکن سنتی و در ارتباط با طبیعت و شیوه زندگی متنوع شناسایی می‌شود (شکل ۱). فعالیت‌های کارآفرینانه در این نواحی به عنوان یک ضرورت در نظر گرفته شده است و این از نبود امکان ایجاد فرصت‌های شغلی با حقوق و مزایای ثابت ناشی می‌شود (کارآفرینی به مثابه یک فرصت، بیانگر آزادی در انتخاب شغلی است). چند فعالیتی بودن نیز به‌طور مشابه به عنوان یک ضرورت برای دستیابی به یک زندگی مناسب و معقول و یک فرصت برای کسب درآمدهای مکمل در کنار کار اصلی و به عنوان فعالیت جانبی در نظر گرفته شده است. ضمن اینکه، بخش‌های اصلی کشاورزی و دامداری، منطق حال حاضر زندگی در این طیف از طبقه‌بندی سکونتگاهی است. یکی از جوانان معتقد بود که:

"من در روستایی که نزدیک به بازارچه مرزی است زندگی می‌کنم. فعلاً به کار دامداری و مختصراً کشاورزی مشغولم. البته درآمد بسیار ناچیز است. برای آینده در نظر دارم به کار تجارت و مبادله کالا در مرز بپردازم. دوست دارم چند شغلی باشم."

جوان دیگری هم این‌گونه اظهار کرده است: "من در روستای مرزی سکونت دارم. کارگری می‌کنم، اگرچه در حال حاضر بیکارم. البته شغلی اصلی‌ام قالی‌بافی بود که به خاطر درآمد کم و وضعیت بازار رهاش کردم. مسافركشی هم می‌کنم که به علت دوری و بدی راه‌ها واقعاً صرفه اقتصادی ندارد؛ ولی از

به نقش مشارکت شهروندان در تهیه و تصویب و ارزشیابی طرح‌ها و پروژه‌های توسعه روستایی. الگوهای خدمات‌رسانی و توسعه‌ای پیشین و یا برنامه‌ریزی‌های سیستمی نمی‌توانند در تداوم توسعه و زندگی در روستا تأثیرگذار باشند و ادامه این روند، نه تنها پاسخگوی باورها، نیازها، خواسته‌ها و منافع شهروندان به ویژه جوانان نیست؛ بلکه در بسیاری موارد، با گرایش‌ها، نیازها و منافع آنان نیز در تعارض قرار دارد. درگیر نساختن جوامع محلی در امر برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری، موجب بروز مسائل و مشکلات جدید و پیچیده‌تر شدن شرایط موجود و سردرگمی در نحوه خدمات‌رسانی و توزیع امکانات به روستاها می‌شود. ضرورت خروج از بن‌بست چنین عوارضی، ضمن الزامی ساختن مشارکت نهادهای مردمی در برنامه‌ریزی طرح‌های توسعه روستایی و تحقق اجرای آن‌ها، توجه به مقوله دوجهی و یا دوتایی^۱ نواحی روستایی است که به تازگی در تحقیقات مرسوم شده است. یعنی شناخت شرایط طبیعی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یک مکان در متن جهانی. با دو هدف اتصال یک مکان با محیط‌های منطقه‌ای و جهانی پیرامون و به‌طور همزمان متمایز ساختن آن از سایر نقاط. همان‌طور که مطرح شد، نواحی روستایی علاوه بر رفا مادی به نقش‌های مصرفی غیرمادی نظیر مسکن مناسب، کالاهای مصرفی و سرمایه‌ای (لوازم لوکس درون منزل)، محیط سکونتگاهی جذاب و از همه مهم‌تر اشکال مختلف تجربیات اقتصادی و به‌نوعی کارآفرینانه (ریسک‌پذیر، خودتعریف، خودمراقبتی، سالم و سنتی) احتیاج دارند. به عبارتی، تحولات جهانی و تغییرات روستایی ناشی از آن این باور را قوت بخشیده است که دخالت در ساختار اقتصادی و اجتماعی و عملکرد روستاها امر بسیار حساسی می‌باشد و لازم است که با احتیاط همه‌جانبه در این ارتباط انجام پذیرد. در عین حال، توجه به تجربیات چندگانه و محیط‌های متفاوت

کلی هزینه برای رفت و آمد به شهر متحمل شوم. در بیشتر اوقات از سال راه‌های مواصلاتی در این منطقه بسته است. امکان کار در جای دیگر را از ما می‌گیرد. حدود ۳ الی ۴ ساعت باید در راه‌های خاکی برای رسیدن به شهر سپری کرد. اگر کار کارگاهی و خانگی یعنی قالی بافی رونق داشت خیلی بهتر بود، راحت و آسوده در خانه به آن می‌پرداختیم".

جوان دیگری هم این‌گونه اظهار کرده است:

"سبک زندگی ما در ارتباط با طبیعت و کار رسیدگی به دام است. باوجود زحمتی که در این کار متحمل می‌شویم چند سالی است که دیگر سودی ندارد. دوست دارم در کنار این کار به فعالیت‌های دیگری هم بپردازم. ضمن اینکه صنایع دستی هم می‌تواند کمک بسیاری در تأمین مخارج ما داشته باشد".

آنچه که مشهود است، بیشترین گزینه‌های درخواستی برای آینده مربوط به نواحی روستایی دوردست و پرت است که دور از انتظار بود. این بیانگر تنوع و گوناگونی انتظارات آینده شخصی در این نواحی است: کشاورزی، دامداری، قالی‌بافی، چندفعالیتی، خانه‌های قدیمی، زندگی خانوادگی و جمعی، پیله‌وری، ارتباط با طبیعت کوهستان، آرامش و سکوت، ارتباط با جامعه، آینده‌ای که به سنت ضمیمه شده است.

نتیجه

در تحقیق حاضر به آینده‌های مورد انتظار جوانان روستایی از محیط سکونتگاهی خود در شهرستان خوی پرداخته شده است. به رغم تمامی پیشرفت‌های قابل توجهی که در دو دهه اخیر در زندگی روستایی صورت گرفته است، هنوز هم شاهد مهاجرت روز افزون جوانان روستایی به شهر هستیم. دو مشکل اساسی وجود دارد: پیش‌بینی و تجویز ملزومات خدماتی برای آینده روستا مبتنی بر اصول مدل‌های کلیشه‌ای ساده و الگوهای پیشین توسعه و بی‌توجهی

زندگی و سرمایه‌گذاری‌های کافی و مناسب در بخش مسکن و امکانات رفاهی هستند؛ سپس به جزییات از آینده‌های مورد انتظار از محیط سکونتگاهی فکر می‌کنند. نتایج نشان می‌دهد که جوانان خوبی به‌طور کلی بیشتر به کار در کارخانجات و اداره‌ها با حقوق و مزایای ثابت، داشتن شغل دوم و بیشتر خدماتی، رفت و آمد پی در پی به مرکز شهر، مجاورت و همسایگی، خانه‌های بزرگ و حیاط دار، خود معیشتی و کارخانگی و درگیری اجتماعی و با جامعه و دوستان بودن تمایل دارند. در واقع، زندگی جوانان خوبی یک کلیت است و ابعاد گوناگونی دارد، به‌طوری که خواسته‌های متفاوت و متعددی را دربر می‌گیرد. در عین حال، خواسته‌های بی‌شمار و بسیار پیچیده‌تر جوانان در نواحی روستایی دوردست در مقایسه با سایر نقاط نتیجه‌ای فراتر از انتظار بود که در ادامه به آن اشاره می‌شود؛ بنابراین، می‌بایست به شناسایی انتظاراتی که علاقه‌مند به زندگی در موقعیت‌های خاص هستند، توجه کرده و نسبت به اصلاح روش‌ها اقدام کرد؛ زیرا قطعیت و جزم‌گرایی در برنامه‌ریزی روستایی با رویکرد محرومیت‌زدایی و البته خدمات رسانی همواره از عواملی بوده که مدیریت‌های روستایی را در اجرای فرمان‌های آن‌ها به رویارویی و برخورد با گروهی از شهروندان واداشته و تحقق‌پذیری اهداف تعیین شده را به شدت کاهش داده است. علاوه بر الزامی ساختن توجه به شرایط منحصر به فرد و متمایز سکونتگاه‌ها، خواسته‌های جدید رفاهی و اقتصادی نیز نمی‌بایست فراموش و مورد غفلت واقع شود.

در انواع مختلفی از نواحی روستایی به درخواست‌های متفاوتی از آینده‌ی زندگی از جانب جوانان دست یافتیم. جذابیت زندگی در روستاهای مجاور شهر شامل بهره‌گیری هم‌زمان از بهترین گزینه‌های رفاهی که به گونه‌ای در شهر و روستا استقرار یافته است؛ از جمله: فراهم بودن شرایط شغلی مناسب (دائمی) با درآمد

سکونتگاهی در امر خدمات رسانی نیز می‌بایست در اولویت قرار گیرد. اکثر قریب به اتفاق جوانان خوبی ایده‌ی زندگی خوب را در پیوند با روستا و سبک زندگی تعریف می‌کنند: سنت و فرهنگ، آرامش و سکوت، فراخی و دل باز بودن محیط سکونتگاهی، ایمن و سالم بودن، نزدیکی روابط و صفا و صمیمیت، (این خود بیانی از اهمیت رفاه غیرمادی موجود در سکونتگاه‌های روستایی است). همچنین، جوانان خوبی در اظهارات خود به فرصت‌های اقتصادی بی‌شماری برای دستیابی به رفاه زندگی روستایی اشاره کرده‌اند که در راستای فعالیت‌های کاری خود تعریف و خود مراقبتی قابل تعریف و به نوعی سازگار با سنت و فرهنگ و از همه مهم‌تر روند تجارت جهانی است؛ از جمله کارخانگی و کارگاهی کوچک، صنایع دستی مانند قالی‌بافی. این در حالی است که سیاستگذاران دولتی، سکونتگاه‌های روستایی را عقب‌مانده و واپس‌گرا و روستاییان را فقیر و فلاکت زده می‌دانند؛ از این رو، نگاه محرومیت‌زدایی و یا کمک به یک نیازمند در نظام خدمات رسانی به روستاها غلبه دارد. بدیهی است که با ارائه‌ی تصویری راکد و بی‌پیرایه از سکونتگاه‌های روستایی، دفع جوانان امری محتمل و اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. از طرفی، سیاست‌گذاران دولتی اقتصاد روستایی را ناکارا و سنتی و محقر می‌دانند؛ اعتقاد بر این است که ده و کشاورزی فاقد انعطاف‌پذیری لازم و ظرفیت کافی برای افزایش تولید و بهبود زندگی روستایی است. ولی همگی از این جامعه عقب‌مانده و ناکارا انتظار پس دادن نتایجی را داشته‌اند که ابزار و شرایط لازم آن برایش مهیا نشده است. بدین ترتیب، طی چند دهه‌ی اخیر پیوسته و گاهی بی‌مهابا و بی‌ملاحظه، سیاست‌های گوناگونی در ارتباط با روستا و روستایی به آزمون و خطا گذاشته شده است. تا جایی که جوانان خوبی قبل از هر خواسته‌ای در درجه‌ی اول به دنبال ثبات و امنیت و اطمینان نسبی از معیشت (اشتغال) و تأمین مایحتاج

نظر به اینکه یافتن راه‌حلی روش‌شناسانه برای تشخیص ذهنیات و ترجیحات سکونت‌ی جوانان روستایی و جلوگیری از گرایش‌های مهاجرتی آن‌ها، دغدغه اصلی این مقاله بود؛ سه دستورالعمل معیشت، محل اقامت و سبک زندگی می‌تواند مدل مناسبی برای این مهم باشد: هم ساختاری از خواسته‌های متفاوت و ناهمگن آینده‌های شخصی افراد را انعکاس می‌دهد و هم به مناطق مختلفی از طبقه‌بندی سکونتگاهی راه دارد. باید توجه داشت بسیاری از خواسته‌های جوانان روستایی شاید به واقعیت تبدیل نشود و شرایط لازم برای برآورده کردن آن‌ها وجود نداشته و یا دور از ذهن باشد؛ اما اگر پیوند با جوامع محلی و مشارکت مردم در ساختار اجتماعی و اقتصادی سرلوحه نظام توسعه روستایی شده است؛ شناسایی انتظارات و خواسته‌های جوانان راه‌های جدیدی را برای تشخیص فرصت‌های شغلی و معیشتی و به تبع آن طراحی سیاست‌های توسعه در آینده می‌گشاید. سخن آخر اینکه، سیاست‌های توسعه روستایی به شدت تحت تأثیر پاسخ‌های محلی و بافت‌های فرهنگی و اجتماعی خاص بوده و موفقیت آن توسط روستاییان تعیین می‌شود.

منابع

- احسانی، کاوه (۱۳۸۵). جامعه روستایی و گسترش کشاورزی در ایران پس از انقلاب: دو دهه اول، فصلنامه گفتگو. سال چهاردهم، شماره ۴۶. صفحات ۱۰۲-۷۷.
- پناهی، لیلا؛ حمدالله پیشرو (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر مهاجرت جوانان روستایی به شهر: مطالعه موردی: روستاهای بخش مرکزی شهرستان مرودشت، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای. سال اول. شماره ۲. صفحات ۵۰-۱۴.
- پورطاهری، مهدی (۱۳۸۱). بازشناسی عوامل مؤثر در مهاجرت‌های روستا-شهری با تأکید بر مهاجرت جوانان روستایی استان قزوین، فصلنامه مدرس علوم انسانی. سال ششم، شماره ۲. صفحات ۶۰-۴۱.

بالا در شهر و زندگی در روستا و دستیابی به مسکن بزرگ مقیاس و متنوع در ارتباط با طبیعت و آرامش و سکوت. تردد بین شهر و روستا از چشم‌اندازهای اصلی این نوع از طبقه‌بندی سکونتگاهی بود که به تثبیت جمعیت و حتی افزایش آن در آینده یاری خواهد رساند (جوانان به تجربه هم زمان زندگی شهری و روستایی علاقه نشان می‌دهند: روستا سنتزی (در برابر شهر) برای زندگی راحت و بی‌دغدغه شده است). جذابیت‌های زندگی در مراکز روستایی شامل کوچک مقیاس بودن اقتصاد و نزدیکی به مکان اشتغال می‌باشد: کیفیتی برای دستیابی به زندگی کوچک مقیاس که از درون جامعه‌ای بودن، مشارکت اجتماعی در محل و نزدیکی به طبیعت فرصت ظهور پیدا کرده است. در نواحی روستایی دوردست ضرورت ترویج کارآفرینی و چندفعالیتی بودن ساختار اقتصادی تشخیص داده شده بود، از جمله پیوند با طبیعت و سنت‌های پیشین برای امرار معاش (نگهداری دام)، زندگی در خانه‌های قدیمی و جمعی برای خصوصیات محل اقامت و سبک زندگی نزدیک به طبیعت و پرداختن به صنایع دستی (قالی بافی). جذابیت این نوع از طبقه‌بندی از سکونتگاه‌ها را می‌توان به زندگی خود تعریف ربط داد.

موضوعات مربوط به زمان و تاریخ نیز در ترجیحات آینده زندگی روستایی مبتنی بر چرخه زندگی و منشأ محل سکونت اهمیت دارد. هنگامی که دیگر برای استفاده از فرصت‌های شغلی و آموزشی و گاهی ازدواج و تشکیل خانواده تقاضایی وجود نداشته باشد، زندگی در روستا یکی از ترجیحات آینده می‌شود (از سوی افراد مسن و کسانی که دوره جوانی را پشت سر گذاشته‌اند و به نوعی تمامی مراحل زندگی شهری را تجربه کرده‌اند). از طرفی حس تعلق به مکان و دلبستگی به محل آبا و اجداد می‌تواند تصمیمات مهاجرتی را تحت تأثیر قرار دهد و یا موجبات بازگشت افرادی را که مهاجرت کرده‌اند، فراهم کند.

- تجدد، حسین (۱۳۸۷). پی‌آمدهای مثبت و منفی اجرای قانون اصلاحات ارضی در ایران، ماهنامه حافظ. شماره ۵۴. صفحات ۵۶-۵۰.
- خسروبیگی، رضا؛ جعفر جوان (۱۳۹۵). ضوابط تعادل بخشی به چندگانگی روستابودگی در ایران: تدوین چشم‌اندازی سازگار برای بازتعریف قلمروهای روستایی، نشریه مطالعات جغرافیایی مناطق خشک. سال ششم. شماره ۲۳. صفحات ۱۷-۱.
- رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۳). مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران. انتشارات قومس. تهران.
- رضوانی، محمدرضا؛ سیدعلی بدری؛ فرخنده سپهوند؛ سعیدرضا اکبریان رونیزی (۱۳۹۱). گردشگری خانه‌های دوم و اثرات آن بر بهبود کیفیت زندگی ساکنان روستایی (مطالعه موردی: بخش رودبار قصران، شهرستان شمیرانات)، فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای. سال چهارم. شماره ۱۳. صفحات ۴۰-۲۳.
- سازمان برنامه و بودجه آذربایجان غربی (۱۳۹۳). گزارش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان آذربایجان غربی. معاونت هماهنگی برنامه و بودجه. ارومیه.
- سقایی، مهدی؛ دکتر عزت‌الله مافی؛ زهره جوانبخت قهفرخی (۱۳۹۰). روستا، واسازی و فضای جغرافیایی (با تأکید بر عدالت جغرافیایی)، مجموعه مقالات اولین همایش ملی جغرافیا و برنامه‌ریزی توسعه روستایی. دانشگاه فردوسی مشهد.
- علی‌بیگی، امیرحسین؛ عبدالحمید پاپزن؛ محمد دره زرشکی (۱۳۸۸). دلایل و راهکارهای کاهش تمایل جوانان روستایی شهرستان کرمانشاه به مهاجرت، مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران (علوم کشاورزی ایران). سال چهارم. شماره ۱. صفحات ۴۹-۳۹.
- غفاری، سیدرامین؛ معصومه ترکی‌هرچگانی (۱۳۸۹). تحلیلی بر عوامل موثر در مهاجرت جوانان روستایی به شهر (موردپژوهی: روستای صادق‌آباد از توابع بخش سامان در استان چهارمحال و بختیاری)، فصلنامه مسکن و محیط روستا. سال بیست و نهم. شماره ۱۲۳. صفحات ۹۱-۱۰۲.
- فتاحی، الهام (۱۳۹۴). روند شهرنشینی در ایران: جمعیت شهری در نیم قرن اخیر ۹ برابر شده است، روزنامه تعادل. کد خبر: ۲۷۸۵۰.
- قاسمی‌اردهایی، علی؛ نیر رستمی؛ محمد شیری (۱۳۹۵). عوامل موثر بر گرایش به مهاجرت به شهر جوانان روستایی شهرستان اهر، فصلنامه فضای جغرافیایی. سال شانزدهم. شماره ۵۳. صفحات ۷۳-۱۹۲.
- Aghion, P., Howitt, P., Brant-Collett, M., & García-Peñalosa, C (1998). Endogenous growth theory. MIT press.
- Alasuutari, P (2011). Change & stability of images: rural conceptions in Finnish newspapers at the 21st century. *Maaseutututkimuksen ja politiikan aikakauslehti* (1), 17-32.
- Angus, A., Burgess, P. J., Morris, J., & Lingard, J (2009). Agriculture and land use: demand for and supply of agricultural commodities, characteristics of the farming and food industries, and implications for land use in the UK. *Land Use Policy*, 26, S230-S242.
- Biddulph, R. (2015). Limits to mass tourism's effects in rural peripheries. *Annals of Tourism Research*, 50, 98-112.
- Bjaarstad, S (2003). *Oslo ungdommers forestillinger om bygda. En studie av unges stedsforståelser, tilhørighet og identitet* (Doctoral dissertation, Master's thesis, Master 107, Department of Sociology and Human Geography, University of Oslo, Oslo).
- Bjarnason, T., & Thorlindsson, T (2006). Should I stay or should I go? Migration expectations among youth in Icelandic fishing and farming communities. *Journal of Rural Studies*, 22(3), 290-300.
- Cloke, P (1985). Counterurbanisation: a rural perspective. *Geography*, 13-23.
- Cloke, P. (2007). Creativity and tourism in rural environments. *Tourism, creativity and development*, 23(4), 37-47.
- Coffey, W. J., & Polese, M (1984). The concept of local development: a stages model of endogenous regional growth. *Papers in Regional Science*, 55(1), 1-12.
- Cruickshank, J. A (2009). A play for rurality—Modernization versus local autonomy. *Journal of Rural Studies*, 25(1), 98-107.
- Elbersen, B. S. (2002). Nature on the doorstep: the relationship between protected natural areas and residential activity in the European countryside (Doctoral dissertation).

- Marsden, T (1999). Rural futures: the consumption countryside and its regulation. *Sociologia ruralis*, 39(4), 501-526.
- Massey, D. (2004). Geographies of responsibility. *Geografiska Annaler: Series B, Human Geography*, 86(1), 5-18.
- Mitchell, J. C. (1987). *Cities, society, and social perception: a Central African perspective*. Oxford University Press.
- Murdoch, J & Pratt, A. C. (1993). Rural studies: modernism, postmodernism and the 'post-rural'. *Journal of rural studies*, 9(4), 411-427.
- Nilsson, B., & Lundgren, A. S. (2015). Logics of rurality: Political rhetoric about the Swedish North. *Journal of Rural Studies*, 37, 85-95.
- Nimegeer, A & Farmer, J (2016). Prioritising rural authenticity: Community members' use of discourse in rural healthcare participation and why it matters. *Journal of Rural Studies*, 43, 94-103.
- Nugin, R. (2014). "I think that they should go. Let them see something". The context of rural youth's out-migration in post-socialist Estonia. *Journal of Rural Studies*, 34, 51-64.
- OECD, 2008. *OECD Rural Policy Reviews: Finland*. Organisation for Economic Cooperation and Development, Paris.
- Potter, C., & Tilzey, M. (2005). Agricultural policy discourses in the European post-Fordist transition: neoliberalism, neomercantilism and multifunctionality. *Progress in Human geography*, 29(5), 581-600.
- Quivy, R., & Van Campenhoudt, L. (1998). *Manual de investigação em ciências sociais*.
- Rye, J. F. (2006). Rural youths' images of the rural. *Journal of Rural Studies*, 22(4), 409-421.
- Rye, J. F. (2011). Youth migration, rurality and class: a Bourdieusian approach. *European Urban and Regional Studies*, 18(2), 170-183.
- Shortall, S., & Shucksmith, M. (1998). Integrated rural development: issues arising from the Scottish experience. *European Planning Studies*, 6(1), 73-88.
- Shucksmith, M. (2012). Class, power and inequality in rural areas: beyond social exclusion?. *Sociologia Ruralis*, 52(4), 377-397.
- Gilbert, J (1982). Rural theory: the grounding of rural sociology. *Rural sociology*, 47(4), 609-633.
- Halfacree, K. (2006). Rural space: constructing a three-fold architecture. *Handbook of rural studies*, 44-62.
- Halfacree, K. H. (1993). Locality and social representation: space, discourse and alternative definitions of the rural. *Journal of rural studies*, 9 (1), 23-37.
- Halfacree, K. H. (1995). Talking about rurality: social representations of the rural as expressed by residents of six English parishes. *Journal of Rural Studies*, 11(1), 1-20.
- Hedström, P. (2009). The analytical turn in Sociology. In *Frontiers of sociology* (PP: 331-342). Brill.
- Hidle, K., Cruickshank, J., & Mari Nesje, L. (2006). Market, commodity, resource, and strength: Logics of Norwegian rurality. *Norsk Geografisk Tidsskrift-Norwegian Journal of Geography*, 60(3), 189-198.
- Holmes, J. (2008). Impulses towards a multifunctional transition in rural Australia: Interpreting regional dynamics in landscapes, lifestyles and livelihoods. *Landscape Research*, 33(2), 211-223.
- Hsieh, H. F., & Shannon, S. E. (2005). Three approaches to qualitative content analysis. *Qualitative health research*, 15(9), 1277-1288.
- Kay, C. (2008). Reflections on Latin American rural studies in the neoliberal globalization period: a new rurality?. *Development and Change*, 39(6), 915-943.
- Kuhmonen, T., Kuhmonen, I., & Luoto, L. (2016). How do rural areas profile in the futures dreams by the Finnish youth?. *Journal of Rural Studies*, 44, 89-100.
- Lawrence, A., & Turnhout, E. (2010). Personal meaning in the public sphere: The standardisation and rationalisation of biodiversity data in the UK and the Netherlands. *Journal of Rural Studies*, 26(4), 353-360.
- López-i-Gelats, F., Tàbara, J. D., & Bartolomé, J. (2009). The rural in dispute: Discourses of rurality in the Pyrenees. *Geoforum*, 40(4), 602-612.

- Von Meyer, H., & Muheim, P (1996). Employment is a territorial issue. *The OECD Observer*, 203, 22.
- Waara, P (1998). Rural young people in Norrbotten and Västerbotten in the north of Sweden.
- Woods, M. (2005). *Contesting rurality: politics in the British countryside*. Ashgate Publishing Ltd..
- Woods, M. (2007). Engaging the global countryside: globalization, hybridity and the reconstitution of rural place. *Progress in Human Geography*, 31(4), 485-507.
- Woods, M (2011). *Rural*. London, UK: Routledge.
- Woodward, R (1996). 'Deprivation' and 'the rural': An investigation into contradictory discourses. *Journal of Rural Studies*, 12(1), 55-67.
- Yin, R. K. (2003). *Case study research design and methods third edition*. Applied social research methods series, 5
- Smith, D. P., & Phillips, D. A. (2001). Socio-cultural representations of greentrified Pennine rurality. *Journal of rural studies*, 17(4), 457-469.
- Smith, L. T., Smith, G. H., Boler, M., Kempton, M., Ormond, A., Chueh, H. C., & Waetford, R. (2002). "Do you guys hate Aucklanders too?" Youth: voicing difference from the rural heartland. *Journal of Rural Studies*, 18(2), 169-178.
- Sønvisen, S. A. (2013). Recruitment to the Norwegian fishing fleet: storylines, paradoxes, and pragmatism in Norwegian fisheries and recruitment policy. *Maritime Studies*, 12(1), 1.
- Stockdale, A. (2006). Migration: Pre-requisite for rural economic regeneration?. *Journal of Rural Studies*, 22(3), 354-366.
- Swinnen, J. F., Van Herck, K., & Vandemoortele, T. (2012). The experience economy as the future for European agriculture and food? *Bio-based and Applied Economics*, 1(1), 29-45.
- Thissen, F., Fortuijn, J. D., Strijker, D., & Haartsen, T (2010). Migration intentions of rural youth in the Westhoek, Flanders, Belgium & the Veenkoloniën, The Netherlands. *Journal of Rural Studies*, 26(4), 428-436.
- Thomson, R., & Taylor, R (2005). Between cosmopolitanism and the locals: Mobility as a resource in the transition to adulthood. *Young*, 13(4), 327-342.
- Van der Ploeg, J. D (1992). Dynamics and mechanisms of endogenous development. CAMAR Seminar (Chania), European Commission DG VI.

